

## رژیم صدام حسین فروریخت، آینده عراق ناروشن است

چلی پس از تحصیلات در رشته ریاضی در آمریکا، در لبنان و اردن اقامت گزید و به دعوت شاهرزاده حسن در اردن «پترا بانک» را تأسیس کرد که بزرگترین بانک اردن بود. در سال ۱۹۸۹ پترا بانک توسط دولت اردن تعطیل شد و چلی به اتهام اختلاس، کلاهبرداری و معاملات ارزی غیرقانونی در دادگاه به صورت غیابی به ۲۲ سال مجازات در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. سخنگویان «کستور ملی عراق» جریان اختلاس احمد چلی را رد می‌کنند و حکم جلب و محکومیت وی را ناشی از دسیسه‌های صدام می‌دانند، اما یک مقام بلندپایه عرب که لس‌آنجلس تائیز نام وی را فاش نکرد، به این روزنامه گفته است: «فکر نمی‌کنم که کسی بتواند از چلی بدتر باشد. او حتی برای سفر به ادامه در صفحه ۳

نیروهای ائتلاف است. عنان گفت: عراق تاکنون هزینه مادی و معنوی زیادی متحمل شده است و این وضعیت نباید تداوم یابد. دبیرکل سازمان ملل، افزود: طبق کنوانسیون ژنو، نیروهای ائتلاف باید مانع ادامه غارت اموال دولتی در عراق شوند. اظهارات کوفی عنان، در واکنش به سخنان برخی فرماندهان نظامی نیروهای ائتلاف است که گفته بودند، وظیفه‌ای در قبال جلوگیری از غارت اموال دولتی عراق توسط مردم ندارند.

### احمد چلی، کاندیدی دولت آمریکا

برای حکومت بر عراق کیست؟ چلی در یک خانواده ثروتمند شیعه که خویشتاوندی نزدیک با خانواده سلطنتی سابق عراق داشته به دنیا آمد. خانواده وی در ۱۹۵۸ به دنبال سقوط نظام سلطنتی از عراق فرار کردند.

### ● غارت اموال دولتی، خسارات سنگینی به بار آورده است

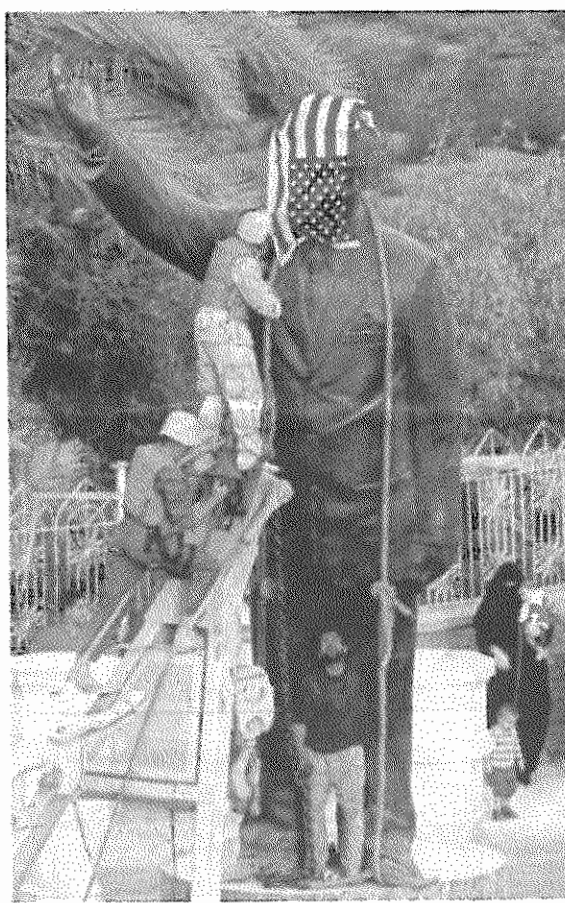
### ● با اشغال نظامی عراق نگرانی نسبت به بازگشت مناسبات استعماری بالا گرفت

### ● به پایگاه مجاهدین در نزدیکی خانتین حمله شد و تعداد زیادی کشته شدند

را حفاظت می‌کرد در امان نماند. ویلای «میخائیل یوحنا طارق عزیز» معاون نخست وزیر عراق نیز از جمله اماکن به یغمارفته است. مردم در حالی در بغداد و برخی از شهرهای عراق از جمله ناصریه دست به تاراج اموال دولتی زده‌اند که نیروهای ائتلافی از خود واکنشی در قبال این اقدامات نشان نمی‌دادند. در همین حال دبیرکل سازمان ملل متحد، روز پنجشنبه از نیروهای ائتلاف خواست تا مانع از غارت اموال دولتی در عراق شوند. کوفی عنان، در مصاحبه‌ای تأکید کرد: مسئولیت حفظ اموال و داراییهای دولتی عراق بر عهده

نمی‌آیند. تاراج اموال دولتی عراق در شهر بغداد، همچنان به شکل نگران‌کننده‌ای از سوی گروه‌هایی از مردم ادامه دارد و در این میان اموال بخش فرهنگی سفارت فرانسه و همچنین سفارت آلمان نیز به غارت رفت. یک بانک در مرکز بغداد نیز با استفاده از یک کامیون و تخریب در ورودی بانک از سوی مردم، مورد سرقت قرار گرفت و داراییهای آن به غارت رفت. بیمارستانها نیز در این غارت در امان نماندند و اموال چندین بیمارستان در مرکز و اطراف بغداد نیز به سرقت رفت. موزه ملی بغداد نیز که آثار با ارزشی

بغداد پس از سقوط صدام حسین، وضعیتی نامتعادل را پشت سر گذاشت. در حالت خلافت دولتی در شهر درگیری‌های پراکنده روی داد و غارت اموال ادامه یافت. ذخایر غذایی رو به اتمام است، بنزین نایاب شده و قیمت‌ها به شدت بالا رفته است. مردم نمی‌توانند با خودروهایشان در شهر رفت و آمد کنند و ساکنان می‌گویند که به آنها دستور داده شده، با پرچم‌های سفید به آرامی در خیابان راه بروند. برق بغداد همچنان قطع است، بعضی از ساکنان این شهر از ترس غارت اموال خود از خانه‌هایشان بیرون



### اعلامیه هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### در باره فروپاشی رژیم عراق

در صفحه ۱۲



### زرافشان:

### از من خواسته بودند از پرونده قتل‌ها کنار بکشم

مسئولان به من گفته شد که یا باید از این پرونده کنار بکشم یا برایم مساله ایجاد خواهند کرد. وی بار دیگر صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح برای رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و نیز پرونده خود را رد کرد و گفت: اصل ۱۷۲ قانون اساسی صراحت دارد که برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی، اعضای ارتش، ژاندارمری،

ناصر زرافشان وکیل خانواده قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای که به مناسبت آغاز سال نو چند روزی را خارج از زندان به سر برده بود، در گفتگویی که در آستانه بازگشت به زندان انجام داد، اعلام کرد که از سوی برخی از مسئولان از وی خواسته شده تا از وکالت در این پرونده کناره‌گیری کند. زرافشان توضیح داد: پیش از اینکه برای من این پرونده تشکیل شود و به زندان بیستم، از ناحیه بسیاری از

انترپرایز»، خواهان سرنگونی حکومتیهای دمشق و تهران شده است، ولو به بهای مداخله نظامی. این گونه سخنان را نه افراد و گروه‌های حاشیه‌نشین، بلکه صاحب نظرانی بر زبان رانده‌اند که نزدیکترین مقامات به رئیس جمهور آمریکا مانند دیک چنی معاون بوش، رامسفلد وزیر دفاع، رایس مشاور امنیت ملی و ولفریش معاون وزیر دفاع، تاکنون طرحها و پیشنهادهای آنان را مو به مو به اجرا گذاشته‌اند.

معنی امپریالیسم جدید مورد نظر این گروه ذی‌نفع را در یک ماه اخیر در عراق دیده‌ایم: کشتار هزاران شهروندی که گناهی جز زندگی زیر سایه «دولت یاغی» نداشتند، نابودی کل زیرساخت اقتصادی کشوری با مساحتی ادامه در صفحه ۲

### رژیم جمهوری اسلامی

### خطری که امنیت ملی را تهدید می‌کند

الزام آور و امنیت مستبتي بر همکاری استوار است. باید در مقابله با دولت‌های مایل مدرن از «شیوه‌های خشن‌تر دوران گذشته» بهره گرفت: «قهر، ضربات پیشگیرانه، فریب و خلاصه هر چیزی که در رابطه با دولتهایی ضرورت می‌یابد که در قرن نوزدهم زندگی می‌کنند». جیمز وولسی رئیس پیشین سرویس اطلاعاتی مرکزی آمریکا (سیا) و از اعضای محفل محافظه کار پیرامون کاخ سفید، اخیراً طی سخنانی در کالیفرنیا از «جنگ جهانی چهارم» علیه سه دشمن سخن گفت: «رژیم ملایان» در ایران، «رژیم‌های فاشیست» عراق و سوریه و نیز تروریستهای اسلامی. مایکل لایسن، از سخنگویان یک موسسه پژوهشی محافظه کاران آمریکا موسوم به «آمریکن

در آوریل ۲۰۰۲، از رابرت کوپر ریزن پیشین تونی بلر نخست‌وزیر بریتانیا در امور سیاست خارجی، مقاله‌ای با عنوان «امپریالیسم نئولیبرال» منتشر شد. اندکی بعد، در برخی نشریات آمریکایی مانند مجله معروف «امور خارجی» (Foreign Affairs) مطالب مشابهی درج گردید که در یکی از آنها، سباستین مالابی سرمقاله‌نویس روزنامه واشینگتن پست نوشت ایالات متحده و هم‌پیمانانش باید بار دیگر به امپریالیسم روی آورند. نظر کوپر این است که «ما در روابط بین خود، قانون را رعایت می‌کنیم، اما وقتی در جنگ عمل می‌کنیم، قانون جنگل شامل حال ما نیز هست». به عقیده کوپر، در حالی که مناسبات میان کشورهای پیشرفته بر قواعد

### خاتمی:

### نمی‌توان بخشی از جمهوری اسلامی را پذیرفت

### و بخشی را رد کرد

محمد خاتمی، رئیس‌جمهور در نخستین جلسه مشترک هیات وزیران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال جاری، آخرین تحولات منطقه و مسائل داخلی را مورد ارزیابی قرار داد. خاتمی لزوم اتخاذ تدابیر درست در موقعیت حساس کنونی، واقعیتی و درک صحیح شرایط را خاطر نشان ساخت و با اشاره به تقابل افکار عمومی جهان با سیاست‌های جنگ طلبانه گفت: سیاست خارجی جمهوری

### بر مقاله

### دولت بوش چه خوابی

### برای خاورمیانه دیده است؟

حکومت صدام حسین زیر ضربات نظامی آمریکا فرو پاشید. مقامات دولت بوش گفته‌اند تعویض رژیم عراق، تنها گام نخست در تغییر آرایش نیروها در خاورمیانه است. این مقامات معتقدند دیگر زمان سیاست حفظ ثبات در خاورمیانه گذشته است و این منطقه باید دستخوش تحولات اساسی شود. تا آنجا که به عراق مربوط می‌شود، آینده کوتاه‌مدت و میان‌مدت این کشور شاید بیش از هر کشور دیگر در منطقه قابل پیش‌بینی باشد. نظامیان آمریکایی تا زمانی که واشینگتن مطمئن شود در عراق حکومتی همراه با طرحهای منطقه‌ای ایالات متحده تثبیت شده است، در عراق باقی خواهند ماند و در همه امور عمده مربوط به اداره عراق، حرف آخر را خواهند زد. بخشی از مخارج این اشغال نظامی، از محل نقشی که شرکت‌های آمریکایی برداخت‌کننده مالیات به دولت ایالات متحده، در بازسازی عراق ایفا خواهند کرد، تامین خواهد شد. عراق از زمره مخالفان اسرائیل و یاری‌رسانان به گروه‌های افراطی فلسطینی حذف شده است. حکام جدید عراق، چه عراقی باشند چه آمریکایی، در او یک سیاستی پیش خواهند برد که تضمین‌کننده جریان نفت ارزان به سمت آمریکا و متحدانش باشد. در صورت لزوم، آمریکا از عراق برای عملیات نظامی بعدی استفاده خواهد کرد.

به احتمال زیاد، گام بعدی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، وادار کردن فلسطینی‌ها به پذیرش صلحی است که برای دولت شارون قابل قبول باشد. این شرایط، برای فلسطینی‌ها از شرایطی که باراک نخست‌وزیر پیشین اسرائیل پیشنهاد کرده بود، بدتر است. شمار بیشتری از شهرک‌های اسرائیلی در سرزمینهای فلسطینی‌ها باقی خواهد ماند. حیات و موات دولت خودمختار فلسطینی به اسرائیل وابسته خواهد بود و این دولت ناچار خواهد شد از پیگیری خواسته‌هایی مانند بازگشت آوارگان و پس‌گرفتن بیت‌المقدس شرقی دست کشد. اگر فلسطینی‌ها حاضر به پذیرش این شرایط نشوند، فشار نظامی بر آنها افزایش خواهد یافت. حکومت سوریه از هم اکنون تحت فشار است تا در اجرای این طرح مانعی ایجاد نکند. در صورت سرپیچی از این خواست، سرنویشت حزب بعث عراق، حزب بعث سوریه را نیز تهدید می‌کند.

فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی افزایش خواهد یافت. حداقل این فشار، حفظ و شدت بخشیدن به تحریم اقتصادی است که از هم اکنون نیز بخشهایی از اقتصاد ایران مانند حمل و نقل هوایی را در آستانه فلج شدن قرار داده است. ممکن است پروژه اتمی بوشهر، هدف عملیات محدود نظامی آمریکا قرار گیرد. همین حد از اعمال فشار نیز کافی است که حکومت جمهوری اسلامی را با بحران موجودیت مواجه سازد و در ضمن، شرایط زندگی مردم ایران را نیز سخت‌تر از آنچه هست کند. در عین حال، احتمال اعمال فشارهای شدیدتر تا حد عملیات گسترده نظامی علیه ایران کم نیست. با توجه به اختلافات داخلی حکومت ایران، بعید است که یک جناح از این حکومت بتواند ابتکار بهبود مناسبات با آمریکا را در دست گیرد و خطرات این فشارها را از سر حکومت دور کند. به نظر می‌رسد هدف حداقل واشینگتن در ایران، دچار کردن ایران به سرنویشت ادامه در صفحه ۲

## دولت بوش چه خوابی برای خاورمیانه دیده است؟

ادامه از صفحه اول

عراق در فاصله ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ باشد، یعنی شرایطی که در آن، حکومت جمهوری اسلامی به علت درگیری با بحرانهای سخت داخلی، قادر به سنگ اندازی در مسیر اجرای طرحهای خاورمیانه‌ای بوش نباشد. هدف حداکثر، قطعاً بر سر کار آوردن حکومتی در ایران است که با نقشه‌های آمریکا در منطقه همراهی کند.

بزرگترین معما در ارتباط با آینده سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، مشی این کشور در قبال عربستان سعودی است. این مشی هر چه باشد، هدف آن روشن است: تبدیل عربستان به یک قطر یا کویت دیگر، یعنی حفظ حکومتی متمایل به غرب همراه با رفقهایی در داخل این کشور. آنچه برای آمریکا در عربستان اهمیت ویژه دارد، پایان دادن به حمایت‌های مالی برخی از محافل قدرتمند عربستان از بنیادگرایی اسلامی است. اما معلوم نیست آمریکا تا چه پهنایی حاضر است برای دستیابی بدین هدف بپردازد. تاکنون مشی آمریکا، احتراز از هرگونه به خطر انداختن ثبات سیاسی عربستان بوده است. اما قطعی نیست که این سیاست تا ابد ادامه یابد. اگر آمریکا مطمئن شود در شرایط جدید، یعنی با استقرار صدها هزار نیروی نظامی خود در همسایگی مستقیم عربستان، قادر به کنترل تغییرات هدایت شده در عربستان است، بعید نیست که از تغییرات رادیکالتری نیز حمایت کند.

نکته نامعلوم دیگر، آینده مناسبات آمریکا و ترکیه است. ترکیه با عدم صدور مجوز استفاده نیروهای زمینی آمریکا از خاک ترکیه برای حمله به عراق، وابستگی طراحان استراتژی نظامی آمریکا به اتحاد با کردهای شمال عراق را افزایش داد. ممکن است با گذشت زمان، آمریکا وعده‌هایی را که به کردها در مورد برگزاری سرشماری و انتخابات آزاد در مناطق نفت‌خیزی مانند کرکوک داده است، فراموش کند و آن گونه که ترکیه می‌خواهد، کردهای عراق را از ایفای نقش در اداره منابع نفتی شمال عراق دور نگه دارد. هراس ترکیه از این است که یک منطقه مرفه و خودمختار کردنشین در شمال عراق، برای مردم کرد ساکن ترکیه نیز الهام‌بخش شود. امید ترکیه این است که آمریکا اتحاد نظامی بیش از پنجاه ساله خود با ترکیه را در جایگاهی مهمتر از مناسبات خود با کردهای عراق قرار دهد. اما با توجه به اینکه چنین خلف وعده‌ای در قبال کردها ممکن است بنیان یک دوره جدید رویارویی و بی‌ثباتی در شمال عراق را بگذارد، عمل کردن ایالات متحده طبق میل ترکیه قطعی نیست. اگر از این نکات مبهم در آینده سیاست آمریکا در خاورمیانه صرف‌نظر کنیم، نقشه‌ای که کاخ سفید برای این منطقه کشیده است، تقریباً روشن است. در این نقشه، کنترل جریان نفت ازران به غرب به طور مستقیم یا غیرمستقیم از سوی آمریکا اعمال خواهد شد، اسرائیل موقعیت خود را تحکیم خواهد کرد و دولتهای مخالف آمریکا امکان مانور را از دست خواهند داد یا حتی ساقط خواهند شد. حضور نظامی مستقیم در منطقه، به آمریکا امکان کنترل و سرکوب مستقیم بنیادگرایان اسلامی را خواهد داد. اغلب دولتهای عرب، حتی اگر در حرف از سیاست جدید آمریکا در خاورمیانه انتقاد کنند، در عمل تسلیم این سیاست خواهند شد (جالبترین نمونه، قطر است که رسماً از حمله به عراق انتقاد کرد اما مرکز فرماندهی این حمله در خاک این کشور بود). به نظر می‌رسد افکار عمومی کشورهای عرب که به شدت مخالف آمریکاست، برای واشینگتن اهمیت چندانی نداشته باشد. طراحان استراتژی کاخ سفید وقتی به این مخالفتها نمی‌گذارد و ظاهراً می‌خواهند در مقیاس بزرگتر، همان سیاست شارون را اجرا کنند. همانگونه که شارون، پاسخ هر اقدام تروریستی حماس و جهاد اسلامی را با یک ضربه به مراتب بزرگتر نظامی می‌دهد، محافظه کاران حاکم بر آمریکا نیز مصممند هر مقابله قهرآمیز با آمریکا در کشورهای عربی را به شدت سرکوب کنند.

در آینده سیاسی منطقه، از نقش و نفوذ دولتهای مخالف جنگ عراق کاسته شده است. شرکتهای نفتی فرانسوی باید آرزوی تحقق قراردادها و نفتی میلباردی با عراق را به خاک سپارند. آلمان اگر بخت با آن یاری کند، شاید بتواند با وساطت بریتانیا و ژاپنی مانند اعزام پلیس به عراق را عهده‌دار شود. حکومت جمهوری اسلامی که آینده آن نامعلوم است، برای روسیه، آلمان و فرانسه متحدی بسیار نامطمئن است و از این رو بعید نیست این کشورها از تهران فاصله بگیرند.

اجرای کل این سناریو، منوط بدان است که مشکلات داخلی آمریکا، به رانده شدن افراطیون از کانون قدرت در واشینگتن نیانجامد. جرج بوش پدر، جنگ کویت را برد اما مبارزه با رکود اقتصادی را باخت و جای خود را به کلینتون داد. اگر در اقتصاد آمریکا تا نوامبر سال آینده نشانه‌های بهبود ظاهر نشود، بعید نیست که جرج دبلیو بوش نیز به سر نوشت پدرش دچار شود. اما تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، حدود یک سال و نیم باقی است.

### زرافشان:

#### از من خواسته بودند از پرونده قتل‌ها کنار بکشم

ادامه از صفحه اول

شهریانی و سپاه پاسداران محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردند، ولی به جرم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. به این ترتیب نه برای رسیدگی به پرونده اصلی قتل‌های زنجیرهای و نه برای رسیدگی به پرونده بنده که یک وکیل دادگستری هستم هیچ گونه صلاحیتی سازمان قضایی نیروهای مسلح نداشته و ندارد.

ادامه از صفحه اول

بیش از آلمان و جمعیتی بیش از هلند و هرج و مرج تمام عیار به دنبال نابودی همه نهادهای مدنی دولتی. این سرنوشت، همه کشورهای را تهدید می‌کند که از نظر بوش و اطرافیان از اعضای «محور شرارت» محسوب می‌شوند.

آیا این سرنوشت محتوم مردم ایران است؟ اگر مردم ایران، سرنوشت خویش را خود به دست گیرند، نه خطر بزرگی را که با بقای رژیم ولایت فقیه، امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند، ما ایرانیان می‌توانیم دفع کنیم. امید است که اینک اتحاد سستی از کشورهای که با جمهوری اسلامی مناسباتی دارند، بتواند تسنروهای آمریکایی را از تکرار سناریوی عراق در ایران باز دارد، تنها به کار آن دسته از رهبران جمهوری اسلامی می‌خورد که گمان می‌کنند تنها اگر کسی خم شوند، توافق بلا خواهد گذشت. جنگ عراق نشان داد اگر کار به مقابله نظامی با «امپریالیسم نوین» بکشد، هر کشوری که آماج حمله قرار گیرد، به ورطه نابودی در خواهد غلتید.

چگونه می‌توان خطر مقابله نظامی با آمریکا را از سر ایران دور کرد؟ این امر میسر نیست مگر با پایان دادن به سیاستهای تشنج‌افزین در داخل و خارج از کشور، و این نیز ممکن نیست

## رژیم جمهوری اسلامی، خطری که امنیت ملی را تهدید می‌کند

مگر با محور رؤیسی که اساس موجودیت خود را مدیون تنش و فضای جنگی است. بنیانگذار این دشتهای مملو از اجساد همسایه می‌ناید و وقتی ناگزیر شد پایان جنگ ایران و عراق را بپذیرد، از نوشیدن جام زهر سخن گفت. قهر و خشونت، با موجودیت رژیم ولایت فقیه عجین شده است. گروهی در وقت آنست که مردم ایران به حیات این رژیم پایان دهند، پیش از آنکه «امپریالیسم نوین» همراه با نابودی رژیم ولایت فقیه، هزاران تن از ایرانیان و بنیه اقتصادی حیات آتی مردم ما را نیز نابود کند. جبهانیان در چهار هفته اخیر به چشم خود دیدند که تعویض رژیم از طریق مداخله امپریالیستی، از هر انقلاب داخلی پرتلاقی‌تر و ویرانگرتر است. امروز دیگر باید آشنایی نیز که واقعا از خشونت بیزاریت، به سیاسی انقلابی برای پایان دادن به وضعیتی روی آورد که در آن شمشیر دامکلس نابودی بالای سر کشور است.

همین چند روز پیش بود که وزرای دفاع و خارجه ایالات متحده به حکومت ایران هشدار دادند رفتار خود را در جهت برآوردن خواستهای واشنگتن عوض کنند. این سخنان تهدیدآمیز در پیجوجه جنگ، در شرایطی که دیگر «محور شرارت» تنها از ایران و کره

شمالی تشکیل شده است، باید که لرزه بر اندام هر ایرانی آزادیخواه و صلحدوست بیافکند. نگاهی به دشتهای مملو از اجساد همسایه دیوار به دیوار ما کافی است تا دریابیم برای ما وقت خوش‌بینی یا بی‌تفاوتی نسبت به آنچه جناح جنگ در دولت آمریکا برای آینده منطقه ما در نظر گرفته، گذشته است. گروهی در واشنگتن مصممند ایران را به سنگ بعدی بازی «دومینوی» استراتژی خود در خاورمیانه تبدیل کنند.

در ایران نیز مانند عراق حکومتی بر سر کار است که اراده و خواست آزادیخواهان مردم را مستجاوز از بیست سال است سرکوب می‌کند. بر پیشانی این حکومت، مهر کارشکنی در حل مسئله فلسطین، حمایت از تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی نقش بسته است. همه بهانه‌ها برای در دستور کار قرار دادن «حل» نظامی «مسئله» ایران فراهم است.

برای آنکه چنین نشود، برای آنکه جنبش صلح جهانی و نیروهای معتدلتر در دستگاه حاکمه ایالات متحده این بار بر خلاف مورد عراق بتوانند جلوی تاخت و تاز جنگ‌افروزان را بگیرند، لازم است تا مردم ایران و نهادهای مدنی‌شان به صدای بلند به جبهانیان بگویند نخست،

هدف از این نشست گفت: به منظور نزدیکی بیشتر و آشنایی با نظریات اعضای دولت و نمایندگان مجلس، طبق روال گذشته این نشست برگزار شد. وی افزود: در این جلسه در مورد مسایل جاری کشور و بحران منطقه بحث و تبادل نظر شد، البته پیرامون مسایل اقتصادی و ضرورت افزایش سرمایه گذاری، و تولید سرمایه در کشور صحبت‌هایی شد که آقای خاتمی به آنها اشاره کرد و نیز قول دادند که در آینده تیم اقتصادی دولت هماهنگی بیشتری با هم داشته باشد.

بورقانی در مورد این که آیا در این جلسه در باره لوایح دولت هم بحث و تبادل نظری شد یا خیر؟ اظهار داشت: بله، بحث‌هایی صورت گرفت، البته ابراز امیدواری شد لایحه اصلاح قانون انتخابات و لایحه تبیین اختیارات رئیس جمهور تصویب شود تا به اقتدار و وحدت ملی کشور کمک کند.

انصاری‌راد رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز در این باره گفت: رئیس جمهور بر روشن شدن تکلیف لایحه اصلاح قانون انتخابات تاکید دارد. حسین انصاری‌راد در جمع خبرنگاران پارلمانی عزم خاتمی را در به تصویب رساندن لایحه اصلاح قانون انتخابات جدی ارزیابی کرد و گفت: خاتمی بر روشن شدن هرچه زودتر تکلیف این لایحه تاکید دارد. رئیس کمیسیون اصل نود اعلام کرد: تصویب لایحه منوط به شجاعت، اراده و اعمال قدرت و فشار است که امیدوارم در این صورت لایحه به تصویب برسد.

وی افزود: با تعارف، نصیحت، توضیح و تبیین صرف، وحدت ایجاد نمی‌شود.

نزدیک به هفتاد میلیون ایرانی، نباید چوب رفتار حکومت جمهوری اسلامی را بخورند؛ و مردم ایران با اقدام مستقل خویش، نظامی را تحقق خواهند بخشید که صلح، مسالمت، حقوق بشر و همکاری بین‌المللی بر سر لوحه همه سیاستهای آن جای خواهد داشت.

دیگر زمانی که حکومت جمهوری اسلامی می‌توانست حرکات آزادیخواهان مردم ایران را با قساوت و خشونت هر چه تهاجم‌تر سرکوب کند، گذشته است. این حرکات را امروز دیگر نمی‌توانند خفه کنند. دانشجویان ایران می‌توانند همزمان با بازگشایی دانشگاهها در سال جدید، ندای آزادیخواهی خود را با فریاد صلح قرین سازند. فعالان نهادهای مدنی می‌توانند با حضور مستقل در عرصه مبارزه برای آزادی صلح، به جهانیان اعلام کنند ایران، فقط حکومت فقها نیست، که محل زندگی انسانهایی بیدار است که مصممند نگذارند رفتار غیرمسئولانه و افراط‌گرایانه اقلیتی بسیار محدود در رأس قدرت، کشورشان را به ورطه نیستی بکشاند.

در تاریخ ایران تا به حال هیچ گاه مانند امروز، امنیت ملی و آزادی با هم در پیوند نبوده‌اند. تا مین امنیت کشور، منوط به راهی از بند حکومتی است که رفتار آن ایران را در معرض بزرگترین خطرات در طول دهه‌های اخیر قرار داده است. حکومت فرارسیده است.



## رفیق همایون سرداری درگذشت

همایون عاشق بود و با سخاوت عرضه نموده بود به راحتی می‌شد در مراسم رفتار و گفتار آنان که در مراسم تدفین او حاضر بودند محصول درخت زندگی همایون را مشاهده کرد.

همایون سرداری در ضربات سال ۶۵ به سازمان ما دستگیر شد و به ۱۷ سال زندان محکوم گردید. وی قبل از دستگیری از مسئولین تشکیلات سازمان در کرمانشاه بود. رفیق همایون در کشتار همگانی زندانیان سیاسی چان سالم بدر برد و در فروردین ۱۳۶۹ از زندان آزاد شد. تشریح کار فقدان رفیق همایون سرداری را به همسر وی، به دو فرزندش مازیار و کامیار و به همه بستگان و یاران او تسلیت می‌گوید.

موفی که با غم دل، شد افشن حاصل بر شاخسار عمرش بانک طرب نباشد

### درخت زندگی

در فضای اندوهناکی که چشمان اشک‌آلوده حاضرین ناباورانه به خاک سپردن همایون عاشق را نظاره می‌کردند نوای حزن‌انگیز همسرش را می‌شنیدند که با مهربانی می‌خواند همایون ترا می‌کارند، سر برآور، سبزشو و من می‌دانستم که همایون قبل از آن که کاشته شود روئیده و سبز و تناور شده بود و محصولش را

رفیق کرامی طهماسب وزیری!  
از دست دادن مادر غم سنگینی است. دست اندرکاران نشریه کار را نیز در اندوه خود شریک بدان.

رفیق طهماسب وزیری!  
هیات رئیسه شورای مرکزی، درگذشت مادرت را به تو تسلیت می‌گوید و خود را همدرد تو می‌داند.

تسلیت



## رژیم صدام حسین فروریخت، آینده عراق ناروشن است

ادامه از صفحه اول

کشورهای عربی هم شایسته شمرده نمی‌شود». در یک گزارش سازمان سیا که در لس آنجلس تایمز به چاپ رسیده، گفته می‌شود که گروه کثیری از مردم عراق هم به چلی و هم به «کنگره ملی عراق» بدبین و مظنون هستند. یکشنبه هفته

گفت: نیروهای وابسته به گروه‌های کرد، برای حفظ امنیت و کمکهای انسانی، به کرکوک وارد شدند و قصد ماندن در این شهر را ندارند. پیش از این سخنگوی



اعضای دولت موقت عراق در دیدار با بوش

گذشته چلی به النصریه رفت و با تشکیل اولین «گردان سپاه عراق آزاد» متشکل از ۷۰۰ سرباز مسلح اقدام به نمایش تبلیغاتی کرد. پل ولفویتر معاون وزیر جنگ در کابینه بوش که از حامیان چلی به شمار می‌رود از اجلاس مزبور که به گذشته او ده هزار نفر در آن شرکت داشتند به عنوان «عاملی آرامبخش برای مردم ناصریه» یاد کرد. احمد چلی خواستار آن شده است که نیروهای آمریکا حداقل دو سال در عراق بمانند.

### به دنبال تهدید ترکیه، نیروهای کرد از کرکوک خارج شدند

نیروهای کرد عراقی وارد شهر کرکوک در شمال عراق شدند. این نیروها گفتند که هنگام ورود به این شهر، با مقاومت‌هایی روبرو شدند، ولی در مرکز شهر مردم از آنها استقبال کردند. نماینده «اتحادیه میهنی کردستان عراق» گفت: نیروهای وابسته به این اتحادیه، از کرکوک خارج خواهند شد. وی

### مقامات آمریکایی:

جنگ تمام نشده است.

مقامات آمریکایی بار دیگر اعلام کردند جنگ در عراق هنوز تمام نشده است. فرماندهان نظامی آمریکا در قطر گفتند تا پایان جنگ، چه در بغداد چه در سایر نقاط عراق، راه زیادی مسانده است. آری فلیشر، سخنگوی کاخ سفید نیز گفت هنوز خطرات بسیاری در پیش روست. دونالد رامسفیلد، وزیر دفاع آمریکا، این اظهارات را تایید کرد و گفت صدام حسین هنوز دستگیر نشده و وضعیت او مشخص نیست.

### ارائه طرحی در مورد ایران به سنای آمریکا

یکی از اعضا کمیته روابط خارجی سنای آمریکا روز چهارشنبه طرحی را به سنای این کشور ارائه کرد که براساس آن ۵۰ میلیون دلار در سال برای کمک به آنچه که این سناتور آن را فعالیت برای برقراری دموکراسی در ایران نامید، در نظر گرفته می‌شود. هدف از این طرح، سرنگون کردن رژیم اسلامی ایران با اقدامی مسالمت‌آمیز اعلام شده است. به نوشته خبرگزاری یونایتد پرس، سام براون بک، سناتور جمهوری خواه آمریکایی در این لایحه خواستار شده است: سیاست آمریکا باید این باشد که از تلاش‌های رسیدن به اصلاحات دموکراتیک داخل ایران حمایت نماید. این حمایت باید از هزاران معترضی باشد که اعلام کرده‌اند حکومت دولت باید به فراندوم گذشته شود و به ایران اجازه می‌دهد که به سوی حکومتی سکولار و دموکراتیک

پیش رود. ایرانی که به حقوق بشر احترام می‌گذارد و قصد ندارد تسلیحات کشتار جمعی در اختیار گیرد. انسدی فیش، سخنگوی کمیته روابط خارجی سنای قول ریچارد لوگار، رئیس این کمیته نیز گفت که وی از استقرار دموکراسی در ایران به روش مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند. فیش گفت: این فرصت در ایران وجود دارد که تغییراتی را شاهد باشد و به این ترتیب می‌توان از تغییرات دموکراتیک سود برد. خبرگزاری یونایتد پرس در گزارش خود مستذکر شد دانشجویان، اتحادیه‌های کارگری و نجیبان ایرانی در سال گذشته بارها به خیابان‌های پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ کشورشان ریختند و تقاضا کردند که رفتار دموسی در باره ادامه حیات رژیم فعلی برگزار گردد. براساس طرح براون بک، وزارت کشور آمریکا سالانه ۵۰ میلیون دلار به بنیادی که هدفش حمایت از دموکراسی خواهان ایران خوانده شده؛ پرداخت کند؛ که این کار را در حال حاضر با شبکه ماهواره‌های تلویزیونی و رادیویی که مرکزش در لس آنجلس است؛ انجام می‌دهد. در این طرح خاطر نشان شده است: تغییرات دموکراتیک در ایران ثبات کل منطقه را تضمین می‌کند.

### حمله به پایگاه مجاهدین در اطراف شهر خانتین - نزدیک مرز ایران مورد حمله قرار

بمباران‌های آمریکایی انجام شده است که مسیر نفوذ مساعرضین به پایگاه‌های مجاهدین خلق را بمباران کرده و سپس نیروهای کرد وارد نبرد شده‌اند. این گزارش می‌افزاید: در پی این حمله، تعداد زیادی از مجاهدین به پادگان اشرف در شمال عراق بازگشته‌اند.

گفته می‌شود در روزهای گذشته ده‌ها عملیات علیه قرارگاه‌های سازمان مجاهدین خلق در خاک عراق صورت گرفته است. بنابر برخی گزارش‌ها، اتحادیه میهنی کردستان عراق خیر تهاجم نیروهایش را به پایگاه‌های سازمان مجاهدین تأیید کرده است.

نامه سرستاده ۳۰ نفر از اعضای و مسئولین سابق سازمان مجاهدین به جلال طالبانی رهبری محترم اتحادیه میهنی کردستان عراق جناب آقای جلال طالبانی



### ما خبر درگیری نیروهای حزب شما را با اعضای سازمان مجاهدین در مناطق کردنشین

مقدادیه - جولوا و شهر خالص شنیدیم و عمیقاً از کشته و زخمی شدن تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین متأثر شدیم. ما اعلام می‌کنیم که در سال ۱۹۹۱ این رهبری سازمان مجاهدین خلق بود که جنگی

ناعادلانه و متجاوزکارانه علیه مردم شما به راه انداخت، اما در همانموقع نیز بدنه سازمان از این عمل ابراز انزجار نموده و عده‌ای در اعتراض به این دخالت در امور داخلی عراق از سازمان جدا شدند.

ما نیز بعد از درگیری نیروهای مجاهدین با نیروهای اتحادیه میهنی کردستان عراق، از سازمان جدا شدیم و پس از رسیدن به اروپا این جنایت را در مجامع جهانی و حقوق بشری افشاء و محکوم نمودیم.

در این شرایط بحرانی از شما به عنوان یکی از رهبران مسئول در منطقه جدا می‌خواهیم که با سعه صدر و بلند نظری حافظ جان هموطنان ایرانی ما باشید و شرایطی فراهم نمایید که نیروهای مجاهدین که در این رابطه هیچ انگیزه و تقصیری برای درگیری با مردم کرد ندارند را محافظت نموده و به کشور امن ثالثی انتقال دهید و اجازه ندهید که عوامل رژیم جمهوری اسلامی از وضعیتی که پیش آمده سوء استفاده نموده و مسئولیت جنایات خود را به گردن شما بیندازند. مسلماً این عمل مسئولانه و انسانی شما در تاریخ به ثبت خواهد رسید. ما مطمئن هستیم که مسعود رجوی قصد دارد تا نیروهای ناراضی خود را بدین وسیله به کشتن دهد در حالیکه خود و بخشی از وفاداران خود را پیشاپیش از عراق خارج نموده است.

از نظر ما عامل اصلی سرکوب و کشتار مردم کرد عراق آقای مسعود رجوی است و وی باید به عنوان یک جنایتکار جنگی و ظلمی که به مردم کرد عراق نموده در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه و به مجازات برسد.

## سقوط دیکتاتورها

سیمین

چشم بر تلویزیون دوخته و لحظه به لحظه اخبار را دنبال می‌کردم. برگی از تاریخ داشت ورق می‌خورد، احساسی متناقض سراسر وجودم را گرفته بود، احساسی که در سراسر این هفته‌های اخیر همراه بود. در طول ۳ هفته جنگی نابرابر و غیر قانونی بین دو نیرو جریان داشت، بین دو سوی که هیچکدام در فکر مردم عراق نبودند، یکی در تلاش برای حفظ سلطه استبدادی نظامی خویش و دیگری در تلاش برای گسترش سلطه اقتصادی تاریخی خویش و در این میان مردم بی‌دفاع بودند که قربانی می‌شدند. تصویر چهره‌های کودکان زخمی چه آنهایی که معلول زنده ماندند و چه آنهایی که جان باختند، صدای ضجه زنی که همسر و ۳ فرزندش را در پی سقوط بغداد از دست داده بود و صدای فغان عاجزانه مردی که تمام اعضای خانواده‌اش را در زیر بمب‌های ۹۰۰ کیلویی از دست داده بود از درون مسرما می‌سوزانند و کابوسهای بیمارانه‌ای را که تجربه کرده بودم در من زنده می‌کرد؛ کابوس حقارت و ناتوانی انسان را در مقابل بیبیهایی که از آسمان فرود می‌آمدند ...

صدای تصویر هلله کردها را در اربیل نگاه می‌کردم، به یاد بمباران شیمیایی حلبچه افتادم. تصویر خانواده‌ای که در خواب

### نویسنده ناپدید شده: ۳۹ روز در انفرادی بودم

سیمامک طاهری شاعر و نویسنده‌ای که مدتی ناپدید شده بود، در آستانه سال جدید و پس از ۳۹ روز بازداشت در اداره اماکن نیروی انتظامی آزاد شد. طاهری در مورد چگونگی دوره بازداشت خود گفت: تمام این مدت به بازجویی گذشت. من در انفرادی بودم و جز در زمانی که بازجوها حضور داشتند در سایر مواقع چشم‌بند پرچشم خود داشتم. وی اتهامات طرح شده از سوی بازجویان را شامل مطالب مختلفی از روابط نامشروع گرفته تا جاسوسی برای آلمان و آمریکا عنوان کرد. طاهری گفت که آزادی وی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی صورت گرفته است. وی در این باره که گفته

### در بندر عسلیوه

می‌شد بازداشت شما به دنبال اعتراضات سیمامک پورزند صورت گرفته، گفت: نام پورزند در مطالب بازجوها مطرح نشد اما احتمال می‌دهم موضوع به آن مرتبط باشد. وی گفت: بازجوها مرا به برخورداری فیزیکی، استفاده از دستبند قهانی و نظیر آن تهدید می‌کردند اما توهین و هتک حرمت نمی‌کردند. وی گفت که بازداشت وی توسط مامورانی که تحت پوشش تحویل بسته‌ای از آلمان به منزل وی مراجعه کرده بودند صورت گرفته است. ماموران همچنین وسایلی چون عکس، مجموعه اشعار، دفتر تلفن شخصی، برخی کتاب‌ها و نیز دسته پتپا! وی را برده‌اند.

### اعتصاب کارگران شرکت پارس جنوبی

### در بندر عسلیوه

این پالایشگاه در گفتگو با خبرنگار صنفی کارگری ایسنا گفت: در پیگیری موضوع با مسئولان عالی‌رتبه کشور ارتباط برقرار کردیم و نتیجه این شد که مدیر عامل شرکت قول داد با پایان فصل زمستان نسبت به خواسته ما اقدام کند. ولی تاکنون هیچ توجیهی به خواسته ما نشده است. وی افزود: با این وضعیت در حق ۸۰۰ نفر از کارکنان پالایشگاه اجساد می‌شود، زیرا اسکسانشان خلاف میل آنهاست.

دیگرگرفتن و یا نگرقتن پیام و درنیافتن به هنگام تحول شرایط اجتماعی سیاسی تاریخی را توسط عاملان قدرت. در طی این روزها همه در انتظار بودند که ارتش بعث با یکسای از تاکتیک‌های پیش‌بینی نشده دست به عملیاتی بزند و ضربه مهلکی بر نیروهای متجاوز وارد کند، ولی بغداد تسلیم شد و ارتش بعث ناپدید و همه منتظران را در ابهام فرو برد. آنچه در این روزهای آخر در پشت صحنه گذشته در سالهای آتی روشن خواهد شد، و آنچه که روشن است عدم وجود تکیه‌گاه مردمی، عدم وجود احزاب و تشکلهای مردمی که قدرت بسیج مردم را داشته باشند و عدم

حفظ نقش خویش سیاستهای خود را تطبیق دادند ولی در عراق مجسمه‌های صدام در پی یک اشغال نظامی قدرتی قویتر پدید آمد و پس از سقوط سران این ۷ کشور گرد آمدند. ولی به هر حال دیکتاتورها رفتی هستند، آنها در طول تاریخ با توسط مردم سرنگون شده‌اند یا توسط قدرت‌های قویتر. تماشاچیان صحنه به نسبت جمعیت ۵ میلیونی شهر بغداد، حتی در شرایط جنگی، زیاد نبود و در مقایسه با جمعیتی که عدم استقبال خود را با ماندن در خانه‌های خود به نمایش گذاشتند و در انتظار گذار به شرایط عادی مانده بودند ناچیز به نظر می‌آمد. ولی همین جمعیت زیاد و

مجید خویی

فریبرز رئیس دانا:

در شهر نجف ترور شد

مجید خویی، از شخصیت‌های شیعه عراقی و فرزند آیت‌الله خویی که ریاست بنیاد خویی در لندن را بر عهده داشت، در شهر نجف ترور شد. این حادثه در دفتر حرم علی امام اول شیعیان اتفاق افتاده است. به گفته برادرزاده مسجد خویی، حمله‌کنندگان دوپست تا سیصد نفر بودند و ابتدا شروع به تیراندازی به طرف مجید خویی و همراهانش کردند و سپس با قمه و چاقو به آنها حمله کردند.

عبدالمجید خویی ساعاتی پیش از کشته شدن در گفتگوی تلفنی خبرنگار ایرنا با وی، از دیدار خود با علمای نجف سخن گفت. وی با رد خبر پذیرفته نشدن وی از سوی برخی علمای نجف، اظهار داشت: در مدت اقامت در نجف، با برخی علمای نجف دیدار داشته است. خویی در این گفتگو اخبار منتشر شده از سوی برخی گروه‌های معارض را، مبنی بر پذیرفته نشدن وی از سوی شیوخ عشایر در جنوب عراق رد کرد و اظهار داشت: برای روشن شدن این موضوع، بزودی مطالب مورد بحث با آنان را منتشر خواهم کرد. وی افزود: علاوه بر دیدار با شیوخ عشایر، تاکنون چندین نوبت با «سید عبدالعزیز حکیم» و همچنین «احمد چلی» تلفنی در داخل و خارج عراق تماس داشتم. عبدالمجید خویی، نسبت به اقدامات آمریکا برای تشکیل دولت موقت در عراق، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: من در مسایل سیاسی وارد نمی‌شوم و فقط در امور مذهبی و مردمی خدمت خواهم کرد. وی قرار بود، بعد از ظهر روز گذشته در شهر نجف در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کند.

ترور عبدالمجید خویی در نجف، در حالی اتفاق افتاد که برخی مطبوعات تندرو ایرانی طی هفته گذشته انتقادات شدیدی از عملکرد وی داشتند و حتی او را به وابستگی به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس متهم کرده بودند. روزنامه جمهوری اسلامی در این هفته طی سه روز پیاپی به انتقاد از خویی پرداخته بود. این روزنامه در شماره روز شنبه گذشته خود نوشته بود: مسجد خویی که سالهاست در لندن زندگی می‌کند، این روزها به عاملی برای دامن زدن به جنگ روانی آمریکا و انگلیس علیه عراق تبدیل شده است. انتقاد این روزنامه در شماره یکشنبه به شکل شدیدتری مطرح شد: رادیوهای بیگانه از سید عبدالمجید خویی، سید محمد بحرالعلوم و حسین صدر به عنوان مثالی از روحانیون شیعه که آمریکا و انگلیس قصد دارند از آنها برای تحکیم موقعیت خود در میان شیعیان عراق بهره‌برداری کنند، نام می‌برند. سید عبدالمجید خویی توسط آمریکایی‌ها به کویت و سپس به نجف برده شد تا مأموریت خود را به نفع آنها انجام دهد. او سالها در لندن با سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا همکاری کرده است.

محمد باقر حکیم رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق که قرار بود به عراق برگردد بازگشت خود را دست‌کم تا دو هفته دیگر به عقب انداخت. قتل عبدالمجید خویی و ناآرامی در نجف از دلایل این تصمیم است. این در حالی است که برخی رسانه‌های بین‌المللی انگشت اتهام خود در ترور خویی را به سوی مجلس اعلای، نشان رفته‌اند. معاون مسئول دفتر آیت‌الله سیستانی در قم با تأیید خبر محاصره منزل وی در نجف گفت: از شب گذشته، منزل آیت‌الله سیستانی محاصره شده است و ایشان مورد تهدید قرار گرفته‌اند. شیخ کاظم جواهری، در گفتگو با خبرنگار ایرنا، با تأیید دادن مهلت ۴۸ ساعته از سوی محاصره‌کنندگان مبنی بر خروج آیت‌الله سیستانی از عراق، آنان را تابع سید مقتدی صدر، پسر ۲۲ ساله سید محمد صدر عنوان کرد و گفت: آیت‌الله سیستانی هنوز تصمیمی در این مورد نگرفته است. وی در عین حال گفت که آیت‌الله سیستانی، اطلاعاتی خطاب به مردم عراق منتشر کرده است.

در عین حال یک منبع مطلع در باره ماهیت گروه منتسب به سید مقتدی صدر گفت که این گروه افرادی هستند که قبل از شهادت شهید محمد صدر از پیروان وی بودند و بعد از شهادتش به صدیون مشهور شدند. به گفته وی این گروه تنها مرجعیت شهید محمد صدر را قبول داشتند، لذا با برخورد فیزیکی اقدام به حذف سایر مراجع شیعی کرده و یا آنها را طرد و نسبت به آنها هتک می‌کنند.

نارسایی شغلی زنان تابعی از جریانهای فکری اجتماعی است

که حضور برابر را بر نمی‌تابد

تبعیض و نارسایی شغلی زنان با برنامه‌ها و سیاست‌های دولت همخوانی نداشته و بیشتر با جریانهای فکری، اجتماعی و سیاسی که حضور برابر، فعال و توجه به حقوق زنان را بر نمی‌تابد، همراه است. به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری دانشجویان ایران تحقیقات دکتر فریبرز رئیس دانا در زمینه تهدیدهای جهانی‌سازی برای توانایی شغلی زنان حاکیست زنان ایران به دلیل توسعه‌نیافتگی تاریخی از نظر امکان حضور در صحنه‌های فعالیت‌های اقتصادی جامعه با محدودیتهای فراوان روبرو هستند؛ اما با این وجود آنها در داخل و خارج در عرصه‌هایی که توانسته‌اند تواناییهای چشمگیر اجتماعی و اقتصادی جدی بدست آورده‌اند. این توانایی به علت شرایط تبعیض آمیز عمومی، هم در صحنه

طبقاتی و هم حقوق اجتماعی و سیاسی به طور بالقوه متوجه همه زنان نمی‌شود. رییس دانا تصریح می‌کند: صف‌آرایی نظری بین «تقدم آزادی زن» (نوع کلاسیک فمینیسم) که معتقد است کار یعنی آزادی و نظریه «کشمکش آمیز متقابل» که می‌گوید رابطه کار و آزادی به همان سان که بدیهی و گسترده است رابطه تهدیدآمیز جدیدی برای زنان به وجود می‌آورد (نوع چپ‌گرای فمینیسم) وجود دارد. نظریه نخست به اصلاحات سطحی دلخوش بوده و جهانی‌شدن و یکدست‌شدن قدرت را حتمی می‌پندارد و نظریه دوم به مرحله‌ای نوین از ستیز اجتماعی خردمندانه زنانه، هم در متن جریان اجتماعی و هم به گونه مستقل در رابطه با مطالعات خاص زنان، توجه دارد.

دوم خرداد با لایحه ر د شده خاتمی چه می‌کند؟

ایراد سخترانی علیه شورای نگهبان در جلسه روز یکشنبه مجلس به دلیل رد لایحه نیز در همین رابطه بود. ظاهراً اصلاح‌طلبان مصرند که اگر رایزنی‌ها نتیجه نداد کار تبلیغی خود را برای قانونی کردن لایحه آغاز کرده و از هر راهی که امکان دارد و از جمله همه‌پرسی، سرنوشت لایحه را در نهایی کنند. در این رابطه قرار است هیات رئیسه فراکسیون جبهه دوم خرداد گفتگوهای صریح خود با اعضای شورای نگهبان و مقامات عالی نظام را آغاز کند.

سایت «رویداد» سایت خبری اصلاح‌طلبان می‌نویسد: جناح اصلاح طلب مجلس قصد دارد در رابطه با لایحه اصلاح قانون انتخابات و پیش از ۴۰ مورد ایراد شورای نگهبان به آن با رایزنی، حل اختلاف کند. یکی از اعضای ارشد فراکسیون دوم خرداد در این باره به رویداد گفت: تمامی نمایندگان دوم‌خردادی بر حذف نظارت استصوابی اصرار دارند اما قرار است تا پیش از مشخص شدن نتایج این رایزنی‌ها، از مصاحبه، سخنرانی و یا اظهارنظرهای تند پرهیز شود. به گفته وی، انصراف محسن آرمین از

طرحی تازه برای افزایش پسران دانشجو نسبت به دختران

امکان ادامه تحصیل پسران در دوران سربازی

رئیس واحد تفرش دانشگاه امیرکبیر: در برخی رشته‌ها افزایش دختران مشکلاتی را در جامعه ایجاد می‌کند به ویژه در رشته‌های مهندسی، زیرا در برخی رشته‌های تحصیلی زمینه کار به گونه‌ای است که شرایط آن برای دختران فراهم نیست برای پایین آمدن تعداد دانشجویان دختر، یک رئیس دانشگاه پیشنهاد داد که امکان ادامه تحصیل برای پسرانی که در حال گذراندن دوران سربازی خود هستند فراهم شود. وی گفت: چنانچه بخواهیم عدالت اجتماعی را در پذیرش بین دو جنس رعایت کنیم باید مساله سربازی پسران به نحوی در هیات دولت بررسی شود در غیر این صورت تعداد دختران خود به خود افزایش می‌یابد.

دکتر پرویز نورپناه در گفتگو با خبرنگار آموزشی خبرگزاری دانشجویان ایران، اظهار داشت: تغییر هرم جنسی در رشته‌های تحصیلی باعث بر هم خوردن نظم جامعه می‌شود. در حال حاضر شرایط ورود به دانشگاه برای دختران و پسران به صورت یکسان انجام می‌شود و هر داوطلبی بدون توجه به جنسیت، بر اساس نمره کنکور وارد دانشگاه می‌شود و چون از نظر مقررات کشوری دانشجویی پسر مساله سربازی دارد که در دوران تحصیل از معافیت تحصیلی استفاده می‌کند که این مساله باعث شده میزان پذیرش هر دو جنس یکسان باشد.

وی افزود: افزایش دختران در برخی رشته‌ها نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند بلکه در بسیاری موارد مفید نیز می‌باشد اما در برخی رشته‌ها افزایش دختران مشکلاتی را در جامعه ایجاد می‌کند به ویژه در رشته‌های مهندسی، زیرا در برخی رشته‌های تحصیلی زمینه کار به گونه‌ای است که شرایط آن برای دختران فراهم نیست مانند مهندسی معدن، کشتی‌سازی و... عدم هماهنگی رشته‌های تحصیلی با جنسیت متخصصین نظم جامعه را بر هم می‌زند ضمن آنکه جامعه هزینه‌هایی را پرداخت می‌کند که متناسب با نیازهای آن نیست و بازتاب ندارد. این در حالی است که معاون آموزشی وزارت علوم، به همین منیع خبری گفت: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تاکنون شرایط و امکان تحصیل همزمان سربازان در دوره‌های

رئیس دستگاه قضایی و برخورد با مطبوعات

شاهرودی رئیس قوه قضاییه برخورد‌های انجام‌شده با مطبوعات را بر طبق موازین نظام اسلامی خواند و واکنش‌های مجامع بین‌المللی در این باره را، «حرکتی مزورانه» دانست. خبرنگار ایسنا از هاشمی پرسید که «با توجه به شرایط بحرانی منطقه و دقت جامعه جهانی بر وضعیت رعایت حقوق بشر در کشورهای این محدوده، بازتاب برخورد با مطبوعات و زندانیان سیاسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ وی پاسخ داد: «ما نباید تحت تاثیر شعارهای دروغین استکبار جهانی قرار بگیریم». هاشمی در ادامه، دامنه جرایم را در ایران بیشتر از سایر کشورها دانست و عنوان کرد: «دلیل این موضوع نیز این است که نظام ما یک نظام اسلامی و مکتبی است و در یک نظام مکتبی ممکن است مسائلی جرم باشد که شاید در یک کشور لائیک جرم محسوب نشود. اسلام مبنای مشروعیت نظام ماست و دارای احکام دینی و فقهی خاص خود است و گاه برخی موضوعات را جرم تلقی می‌کند که ممکن است در جامعه دیگر، جرم دانسته نشود. حال اگر یک قاضی آمد و بر اساس این اصول کاری کرد و عملی را جرم دانست که در یک نظام لائیک - دموکراتیک جرم محسوب نمی‌شود، ما بگوییم آن کار جرم نیست؟ اهانت به اسلام یک جرم فقهی است و قاضی و قانون نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد. قاضی توجه کرده و محکوم می‌کند و آنها هم از دیدگاه لائیک و مزورانه خود نگاه کرده و آن را در بوق و کرنا می‌کنند و می‌گویند که آزادی‌ها در اینجا نقض شده است.»

سخنگوی شورای نگهبان:

لایحه تبیین اختیارات رئیس جمهور هم رد خواهد شد

میردامادی سخنگوی قوه قضاییه گفت لایحه تبیین اختیارات رئیس جمهوری، که اختیار لغو آرای قوه قضاییه را به رئیس جمهوری اسلامی می‌دهد، لایحه‌ای بسیار خطرناک است و شورای نگهبان آن را رد خواهد کرد.

وی افزود این لایحه از دیدگاه شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی، مقدمه‌ای است بر دیکتاتوری یا خودکامگی ریاست جمهوری. حسن میردامادی افزود قدرت ریاست جمهوری اسلامی که به صورت خطرناکی در حال شکل‌گیری است با قانون اساسی جمهوری اسلامی همخوانی ندارد و جلوی آن گرفته خواهد شد. مدیرکل روابط عمومی شورای نگهبان گفت خودکامگی رئیس جمهوری اسلامی چنان وحشتناک است که هیچ قاضی دیگر جرات نخواهد کرد بدون اجازه رئیس جمهوری اسلامی محاکمه کند و دیگر کاری از کسی بر نخواهد آمد.

نامه سرگشاده سایت زنان ایران به رئیس جمهور

بسیار خوشوقت خواهیم شد که با دادن تذکر به تمامی مقامات و مسئولینی که در تهیه این بخش از گزارش دخالت داشته‌اند، از آنها بخواهید که با ارائه مستندات قانع‌کننده شبهه پیش آمده را رفع کنند تا ما بتوانیم مخاطبانمان را از چگونگی دسترسی به خانه‌های امن در ایران آگاه سازیم.

سلام و احترام به اطلاع می‌رسد براساس خبر منتشرشده بر روی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۸۱، نماینده جمهوری اسلامی ایران در چهل و هفتمین کمیسیون مقام زن در مقر سازمان ملل متحد طی گزارشی از وضعیت زنان در جمهوری اسلامی، به ایجاد خانه‌های امن به عنوان یکی از اقدامات دولت ایران اشاره کرده‌اند.

جناب آقای رییس جمهور واقعیت تاسف‌برانگیز این است که در ایران هیچ «خانه امن»ی برای زنان تاسیس نشده است. خانه‌های امن زنان، در برداشت مجامع جهانی، به پناهگاههایی اطلاق می‌شود که برای زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته‌اند، جایی برای ماندن و امنیت را تأمین می‌کند. به شهادت مصاحبه‌های متعددی که مطبوعات با رییس سازمان بهزیستی، رییس مرکز امور مشارکت زنان و سایر مسئولین مرتبط با این قضیه انجام داده‌اند که مدارک آنها تماماً در پایگانی سایت زنان ایران موجود است، نه تنها خانه‌های امن در ایران تشکیل نشده‌اند بلکه حتی مقدمات قانونی لازم برای ایجاد چنین پناهگاههایی فراهم نشده و یا در دست فراهم آمدن نیست. با این همه اگر واقعا این خانه‌های امن که در گزارش دولت شما به کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد آمده، وجود خارجی دارد، جدا و مصروانه درخواست داریم روش پنهان‌گرفتن در آن‌ها برای زنان ایرانی که هر روز از سوی شوهران، پدران و برادران خود مورد خشونت واقع می‌شوند، اعلام شود.

جناب آقای رییس جمهور واقعیت تاسف‌برانگیز تر این است که چنین خبر نادرستی از سوی نماینده رسمی جمهوری اسلامی ایران که قاعدتاً باید مظهر صداقت باشد مطرح می‌شود، بسیار خوشوقت خواهیم شد که با دادن تذکر به تمامی مقامات و مسئولینی که در تهیه این بخش از گزارش دخالت داشته‌اند، از آنها بخواهید که با ارائه مستندات قانع‌کننده شبهه پیش آمده را رفع کنند تا ما بتوانیم به عنوان یک رسانه تخصصی زنان، مخاطبانمان را از چگونگی دسترسی به خدمات خانه‌های امن در ایران آگاه سازیم.

www.womeniniran.com

سپاه محمد

در مراسم اولین سالگرد دکتر سبحانی بیانیه‌تهدیدآمیزی در بین شرکت‌کنندگان توزیع شد. این بیانیه اعضای سپاه محمد را در پایین خود دارد، متن کامل اعلامیه به شرح زیر است: با عرض سلام خدمت مردم شهیدپرور و غیرتی ایران، ایرانی که قدم به قدمش به خون جوانانش آغشته شده است. ایرانی که جوانانش برای آزادی‌اش شکنجه‌ها و چه زندانها که کشیدند. و اینکه که به هر چه که خواست رسید، خودی‌ها مانع گام برداشتن آن هستند. و حال ما جوانان نسل سوم انقلاب می‌داریم و می‌خواهیم با تاسیس سپاه حضرت رسول، مانع گام برداشتن خوارج باشیم. و ای دشمن که می‌داند هم اکنون صایم را تو می‌شنوی اگر فقط یک بار دیگر بغض گلوی رهبرمان را بگیرد سپاه محمد مانند سدی پرآب شکسته و روی تو خراب خواهد شد. ای دشمن با تو می‌گویم که اگر دست از کارهایت بر نداری به دستور رهبر واقع عاشورا، را به پا خواهیم کرد و نه صلح امام حسن را. گروهک مثلاً منحل‌شده نهضت آزادی، تحکیم وحدت و ای مشارکتی‌ها و ملی مذهبی‌ها و سلطنت‌طلبان وطن‌فروش این اولین تذکر بود، از جانب بچه‌های سپاه حضرت رسول، این را آویزه گوشتان کنید که این جوانان بیدارند و چشمشان فقط به رهبرشان دوخته شده است و لاغیر. و ای دشمن باز به تو می‌گویم که نگذار آن لباس‌های به رنگ خاکی را که بر پیشتن نوشته شده است، می‌روم تا انتقام سیلی زهرا بگیرم را بر تن کنم و سربند یا زهرا، را بر پیشانی ببندم. عمده کارهایی را که در آینده توسط سپاه حضرت رسول انجام خواهد شد

- ۱- مبارزه با فقر، فساد، تبعیض
- ۲- مبارزه با هسته‌های شیر و خورشید
- ۳- برخورد با مسئولان بی‌مسئولی که گرایش‌های حزبی و سیاسی دارند
- ۴- مبارزه با فساد، فحشا و بی‌حجابی در جامعه
- ۵- برخورد با گروهک‌های ضد انقلاب و مثلاً برانداز



رییس دانا:

آمریکا حتی دست

انگلیس را هم از

منابع انرژی عراق

کوتاه می‌کند

آمریکا برای تامین انباشت سرمایه و نجات بحران و رکود اقتصادی خود به بازارهای جهانی و دستیابی به منابع ارزان نیاز به جنگهای دیگری نیز دارد. رییس دانا با بیان اینکه فرایند جهانی سازی با شکست مواجه شده است، افزود: وقتی فرایند جهانی سازی اقتصاد نتوانست اقتصاد آمریکا را نجات دهد، این کشور دوباره به میلیتاریزم (نظامی گری) روی آورد و با یک لشکرکشی به عراق حمله کرد. وی افزود: آمریکا با وجود اعتراضهای جهانی و فشارهایی که بر آن وارد می شود، قصد حمله به دیگر کشورهای منطقه از جمله سوریه را دارد؛ بنابراین در چنین فضایی به خودی خود رشد عادی اقتصادی زیان آور خواهد شد.

او با تاکید بر اینکه تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق اقتصاد ملی ما را تهدید می کند، خاطر نشان کرد: حتی اگر بازسازی عراق شروع شود، ما سهمی در آن نخواهیم داشت، زیرا آمریکایی ها به کسی اجازه نمی دهند که به منابع عظیم انرژی عراق دست یابد. آنها حتی دست اروپایی ها و همپیمان نظامی شان انگلیس را از عراق دور خواهند کرد. این کارشناس مسائل اقتصادی با بیان اینکه هزینه های جنگهای نظامی آمریکا بر اقتصاد این کشور تاثیر منفی داشته است، تصریح کرد: آمریکا با افزایش بودجه نظامی خود با بهره کشی از عربستان، کویت و امارات متحد عربی سعی خواهد کرد رکود اقتصادی خود را جبران کند و با ایجاد فضایی تهدیدآمیز برای دیگر کشورهای منطقه آنها را مجبور خواهد کرد که خریدهای نظامی خود را از این کشور افزایش دهند. او با اشاره به اینکه حتی اگر اوضاع منطقه آرام باشد، یا ایجاد جو رعب و تهدیدآمیز توسط آمریکا کشورهای این منطقه به تجهیز نظامی خود خواهند پرداخت، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دیگر کشورهای منطقه مجبور خواهد شد خریدهای نظامی خود را افزایش دهد و این امر برای وضعیت اقتصادی ما بسیار مضر است.

رییس دانا ادامه داد: همچنین امنیت سرمایه گذاری در ایران و دیگر کشورهای منطقه از جمله ترکیه به خطر می افتد. او با انتقاد از نظر برخی از کارشناسان اقتصادی که می گویند در این جنگ با حفظ منافع ملی باید بی طرف باشیم، خاطر نشان کرد: این نظریه پردازان چه اصلاح طلب و چه محافظه کار ابتدا باید تعریفی از منافع ملی را عنوان کنند. وی گفت: این شائبه و سوال وجود دارد که آیا این افراد همان چند خانواده معروف پشت پرده اند؟ کارشناس مسائل اقتصادی افزود: اگر منافع ملی را از نظر ایدئولوژی های مختلف بسنجیم، باید پیش از همه آنهایی که از جهانی سازی اقتصاد حمایت می کردند این تناقض را حل کنند که آیا حضور آمریکا در منطقه برای ما تهدید است یا فرصت؟ رییس دانا با ارائه راهکار پیشنهادی خود برای جلوگیری از تهدیدات اقتصادی ناشی از بحران در منطقه گفت: ما باید از بهانه دادن به تجاوزگران خودداری کنیم و از پنهان کاریهای دیپلماتیک به دور باشیم و اجازه دهیم اراده مردم و همه نمایندگان آنها مسائل را به طور شفاف بررسی کنند. او همچنین اظهار داشت: باید با کشورهای بی طرف مانند فرانسه و آلمان که در این جنگ چهره واقعی خود را نشان دادند همکاری اقتصادی نزدیکی داشته باشیم. همچنین باید با خودداری از امتیاز دادن به ترکیه و وابسته شدن به آنها ارتباطمان را با اقتصاد کشورهای چون چین و روسیه بیشتر کنیم.

مصاحبه صدای آلمان با ناصر زرافشان  
جنگ عراق و استراتژی آمریکا در منطقه

صدای آلمان: آقای دکتر زرافشان یکی از مسائلی که در ارتباط با جنگ عراق ذهن همه ایرانیان و اصولاً صاحب نظران بین المللی را به خودش مشغول کرده این است که آیا حمله آمریکا به عراق در واقع یک تصفیه حساب دولت آمریکا با عراق است و یا بخشی از یک استراتژی وسیعتری است که آمریکا برای منطقه در نظر گرفته، می خواستم نظر شما را در این رابطه بدانم؟

ناصر زرافشان: من قبلاً هم به مناسبت های مختلف این را عرض کردم بنا به دلایلی که شاید همه آن را اینجا نتوان توضیح داد. بنظر بنده حضور نظام و سلطه جهانی در این منطقه هیچ ارتباطی با رفتار صدام و وجود یا فقدان سلاح های کشتار جمعی در عراق یا مسائلی از قبیل نقض دمکراسی و حقوق بشر یا عذرهای دیگری که در این زمینه ها آورده می شود ندارد. مسئولین آمریکایی بارها اعلام کرده اند که در شرایطی که ایالات متحده آمریکا و کانادا بیش از ۳ درصد ذخائر شناخته شده نفت جهانی را در اختیار ندارند و همین ایالات متحده حدود ۲۷ درصد تولیدات نفتی دنیا را مصرف می کند، باید از تامین این ۲۵ درصد وارداتی فرآورده های نفتی شان از امنیت مربوط به تامین این و ثبات تامین این فرآورده نفتی اطمینان داشته باشند. بارها اعلام کرده اند که اگر به قطر و عمان رفته اند هزینه بیش از ارزش واقعی قطر و عمان پرداختند برای اینکه جای پای در منطقه داشته باشند، برای روزی که بقول خودشان ایران و عراق را به خانواده بین المللی کشورها برگردانند.

صدای آلمان: آقای دکتر ناصر زرافشان بر اساس موضوعی که شما مطرح کردید آدم می تواند به این نتیجه برسد که این یک بخشی از یک استراتژی بلندمدت تر آمریکا برای منطقه بوده و اگر یک چنین چیزی صحت داشته باشد مختصات این استراتژی از نظر شما چیست، می توانید یک توضیحی پیرامون این استراتژی به شنوندگان ما بدهید؟ ناصر زرافشان: من در مقاله ای که یکسال یا یکسال و نیم پیش ترجمه و منتشر کردم برای جلب توجه برخی از کسانی که در این زمینه مسئولیت دارند اشاره کردم به یک استراتژی در واقع ۵ مرحله ای: مرحله اول تنظیم روابط بین اعضای مسلط سلطه بر جهان یعنی ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن و خاور دور بود.



سازمان عفو بین الملل دولت هلند را به خاطر

نقض موازین حقوق بشر در امور پناهندگان محکوم کرد

سازمان عفو بین الملل با بررسی نمونه های برخورد دولت هلند با حق پناهندگی این کشور را به خاطر نقض حقوق بشر در امور پناهندگان مورد انتقاد قرار داد. هلند در سال های اخیر سیاست های پناهنده سیزاندهای برای کاستن از شمار پناهندگان به این کشور در پیش گرفته است. براساس آمارهای نهادهای مدافع پناهندگی در سال ۲۰۰۱ دولت هلند تنها به ۲۱۹ نفر پناهندگی داد که از این تعداد ۱۰۸ نفر اهل یوگسلاوی و ۷۹ نفر اهل افغانستان بودند. این در حالی است که در همین سال تقاضای

طرحی از  
هراس نیمه تمام

پیشانی کوتاه شرم

فرمانده آمده است!  
با پرهیزی از قساوت و قدرت  
سربازان! هان!  
رزمندگان سیرت سربگی!  
ای ناجیان فر و بزرگی!  
سر بریده سرداران مغلوب را  
بر نیزه ها بنشانید  
و با هلله در کوی ها  
بگردانید!

فرمانده آمده است!  
هلا! ای زارعان مزرع باروت  
به یمن باشکوه حضورش  
از انبان خشماتان  
بذر هراس  
و کود ذهن  
بر سینه مزارع خشک و سترون  
پیشانید  
آن گاه

بارانی تند و بی مهار  
از خون سینه های باز  
و از شوراب گونه ها  
بر آن ببارانید  
دیری نمی گذرد،  
مردگانه های سرخ و تلخی  
در سیلوهای شهر شما  
انبار خواهد شد.

فرمانده آمده است!  
ای رهن طریق رفاقت  
همخواه سگان سکوت!  
برخیز و با چغانه و نغمه  
قلب بهار را بشکن.

فرمانده آمده است!  
با سینه ای به پهنه صحرا  
بر متن اخرا بی اش  
تشت های پر از چشم  
جمعیه های پریشان  
قلب های لگدکوب  
لب های دریده.

فرمانده آمده است!  
آه! ماه خون می چکدش از پهلو  
در آغوش خونی ابری سپید  
می غلظد نگاه محترمش  
انبوه عروسک های بی صاحب را  
ماهتابی کرده است!

فرمانده آمده است!  
هان!  
اینک  
خطبه های مه آلود  
مرکب خطبه های امروزت را  
از جام پر خون جمجمه ای بردار  
و نقش کن حکایت تلخ دروغ را  
پر پیشانی کوتاه شرم  
آخر! فرمانده آمده است!

«عجب کلنگ مزخرفی است!»  
می گوید گورکن پیر.  
«کلنگ بدی نیست!»  
پاسخ می دهدش  
گورکن تازه کار.  
«دست بجناب! شب شد!»  
«این ردیف را هم تمام می کنیم تا شب»

آنسوترک  
در بهت هراس آلود سردابه  
صفی دراز از مردگان  
که درازتر می شود  
هر دم.

دورترک  
سواد شهر است  
(اگر این حریر گریزان  
فرستم دهد که بینم)  
و خیمه ابری سیاه و زمستانی  
سیاه  
در بهاری که  
سبزینه را و سبزی را  
به ننگ سیاهی آلوده ست.  
و صیحه و هلله  
و «دشداش» های خاک آلود

«چقیه» های خون آلود  
و شورابه های حسرت  
بر گونه های خون آلود  
دستان خون آلود  
خون  
خون  
خون  
گروم  
گروم  
بوم  
بوم  
ضجه  
صیحه  
هلله

خدای من  
و آتش بازی بی پایانی  
که تمام چراغها را فرو کشته ست  
و دستان لرزان و خون آلود زنی  
که دراز کرده است  
نان کهنه و وحشت را  
به سوی کودک تنهای همسایه

گروم  
گروم  
بوم  
بوم  
و جهان است  
که فرو می رود  
در طرحی از  
هراس نیمه تمام.

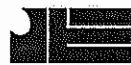
۲۰ درصد خانوارهای کشورهای دچار سوء تغذیه هستند

عبداللهی اضافه کرد: کودکان زیر ۵ سال از نظر تغذیه ای آسیب پذیرترند و براساس آمار وزارت بهداشت ۱۵/۴ درصد و یا ۸۰۰ هزار نفر از جمعیت کودکان زیر ۵ سال دچار کوتاهی قد تغذیه ای به فرم متوسط تا شدید هستند. وی یادآور شد: همچنین ۱۱ درصد از کودکان کشور دچار کم وزنی متوسط تا شدید هستند که چیزی حدود ۵۴ هزار کودک را شامل می شود. وی تاکید کرد: بر اساس این آمار ۲۰ درصد خانوارهای کشور غذای کافی دریافت نمی کنند و ۴۰ درصد آنها دچار پرخوری و فقط ۴۰ درصد از خانوارها تغذیه متعادل دارند. عبداللهی در پایان خاطر نشان کرد: بر همین اساس ۵۰ درصد خانوارها ریزمغذی های کلیدی را از برنامه غذایی روزانه دریافت نمی کنند که اینها شامل ویتامین A، CA، 2B، A۱، کلسیم است.

براساس آخرین بررسی های کشوری دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، حدود پنجاه درصد کودکان در استان سیستان و بلوچستان دچار سوء تغذیه هستند، که بیشترین آمار در کشور را به خود اختصاص داده اند. زهرا عبداللهی معاون دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به ایستادگی: استانهای جنوبی نظیر سیستان و بلوچستان بیشترین آمار سوء تغذیه و استانهای شمالی همانند گلستان کمترین میزان سوء تغذیه کودکان را دارند. وی با بیان این که در استانهای شمالی کشور دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی مطلوب ترست، افزود: در مناطق خشک و گرمسیری مشکلات کشت و تولید بیشتر است. به گفته وی، ناآگاهیهای تغذیه ای مادر و خانوار و فقر از دیگر علل بروز سوء تغذیه است.







# علیه تفرقه، علیه تحریف برای اتحاد، برای حقیقت

مسئول کمیسیون خلق‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ماشالله سلیمی

ایران مجدداً اعلام نمود که: «از کلیه امتیازنامه‌ها و مزایایی که در ایران کسب کرده صرف نظر می‌نماید». در عین حال افزود: «تمام ایران و تاسیسات متعلق به سرمایه‌داران و دولت تزاری را در ایران به ملت ایران واگذار می‌کند».

از جمله این امتیازها قرارداد ۱۹۱۵ بود که ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف (جنوب تحت نفوذ انگلیسی‌ها و شمال تحت نفوذ روس‌ها) تقسیم شده بود. اگر بر این قرارداد معاهده ۱۹۱۹ دوره وثوق‌الدوله را نیز اضافه کنیم که خوشبختانه در همان موقع به چشم و نیز حرکات اعتراضی مردم میهن‌مان روبرو گشت، آن وقت است که اهمیت سرنوشت‌ساز این اعلامیه دولت شوروی در مورد چندتکه‌شدن ایران روشن می‌گردد.

و این نکته‌ای است که متاسفانه بسیاری از ناسیونالیست‌های خاک‌پرست و برخی چپ‌های قدیمی واقعتاً گمراه از درک آن غافل هستند. الغای یک‌جانبه این قراردادها از سوی دولت شوروی اولین شانس تاریخی مردم ایران بعد از انقلاب مشروطیت بود که بتوانند از دست سیاست استعماری بیگانگان رهایی یافته و خود بر سرنوشت خویش حاکم گردد. متاسفانه سیر تاریخ بر این روال پیش نرفت و کودتای سوم اسفند بر بستر وضعیت داخلی کشور و با حمایت انگلیس توسط رضاخان میرپنج صورت گرفت. مجدداً کشور ما در حیطه نفوذ سیاست‌های استعمارگرانه انگلیس باقی ماند.

رضاخان که با شعار جمهوری به میدان آمد بود، به زودی با پشت‌پازدن به شعار خویش به قلع و قمع مخالفین، آزادی‌خواهان و وطن‌پرستان پرداخته، بعد از اندک مدتی خویش را شاه ایران، اعلام داشت. بدین ترتیب آتاتورک با پای‌بندی به جمهوری، ترکیه نوین را بنیان نهاد و رضا شاه با نفی جمهوریت بر بقای سنت باستانی ایران باستان پای فشرده و کشور ما بار دیگر در مسیر دیکتاتوری گام نهاد.

قدرت سیاسی و نظامی بلامنازع رضاخان، به‌زودی از وی که قزاقی پیش نبود، یک ملاک و سرمایه‌دار بزرگ ساخت.

رضاخان به دلایل گوناگون و از جمله روحیه به شدت نظامی‌گری و نیز آریا‌گرایانه خویش به تدریج از ولی‌نعمت خویش یعنی انگلیسی دور شده و هرچه بیشتر خویش را به دولت فاشیستی آلمان هیتلری نزدیکتر ساخت و رابطه سیاسی و اقتصادی مستحکم با این کشور برقرار نمود. به طوری که در آستانه سال ۱۳۱۹ شمسی مطابق با ۱۹۴۱ میلادی سهم آلمان در تجارت خارجی ایران بالغ بر ۴۵/۵ تا ۴۸ درصد گردید.

همین گرایش نیرومند رضا خان و دولت وی به آلمان هیتلری بود که زمینه‌ساز اشغال ایران توسط قوای متفقین گشت. زیرا این گرایش

ناتمام تجدد علیه سنت‌گرایی در دوره یادشده بود.

ج - این جنبش در عین حال خصالت ضدفئودالی داشت و دارای جنبه‌های قوی عدالت‌جویانه بود.

برای اولین بار در ایران رهبران روشن‌بین انقلاب مشروطیت که به طور عمده در انجمن ایالتی تبریز و نیز مجلس اول (شورای ملی) جمع شده بودند با توجه به ملیت‌های گوناگون ساکن در ایران به حل مسأله ملی برای پایداری نمودن امر دمکراسی اهتمام جدی ورزیدند و با تنظیم موادی به صورت متمم قانون اساسی و تصویب آن در مجلس اول شورای ملی، گام بلند و ارزشمندی را در جهت احقاق حقوق ملیت‌های تحت ستم برداشتند. بدین ترتیب اصول ۲۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ و ۹۳ قانون اساسی به تصویب مجلس رسید که متاسفانه از مجلس دوم به بعد به بوته فراموشی سپرده شد.

گرچه اصطلاح فدرالیسم در آن دوره مورد استفاده قرار نگرفت و این امر به یک معنا طبیعی نیز بود، زیرا رهبران انقلاب مشروطه به شاه مشروطه اعتقاد داشتند.

نه به شیوه دیگر اداره جامعه. اما اگر این پنج اصل متمم قانون اساسی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد، متوجه خواهیم شد که رهبران انقلاب در آن دوره عملاً از مشروطیت، مضمون یک جامعه فدرالیستی را در نظر داشته‌اند. بی‌فایده نخواهد بود اگر سه اصول از این ۵ اصل را زیر نظر نماییم:

اصول ۳۹ متمم قانون اساسی: منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک به تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه می‌شود.

اصل ۹۱: اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می‌شوند مطابق نظام‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

اصل ۹۲: انجمن‌های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجع به منافع عامه دارند با رعایت قوانین.

متاسفانه سرنوشت این اصول نیز مانند سرنوشت انقلاب مشروطیت گشت. مقامات نیروی ماند جامعه تحت هدایت محمدعلی میرزا و بعدتر دیکتاتوری رضا شاه، مانع از دستور قرارگرفتن اصول فوق جهت اجرا گشت.

در دوره رضا شاه نه تنها اصول فوق و نیز سایر اصول قانون اساسی به فراموشی سپرده شد، بلکه سیاست درست ضد آن اصول در پیش گرفته شد که حاصلی جز ایجاد تفرقه در بین ملیت‌های ساکن ایران نداشت.

رضا خان و دار و دسته‌اش در زمینه سرکوب خواست‌های مناطق ملی و بویژه آذربایجان هر چه در توان داشتند انجام دادند. گو این که آن‌ها

مطلبی تحت عنوان «دادن امتیاز نفت بی‌سر و صدا قانونی شد» به نقل از: پارس پژواک در شماره ۳۰۰ نشریه کار درج شده بود که قضاوت‌هایی در مورد تاریخ گذشته آذربایجان و نیز ایران داشت. دور از واقعیت و مواردی تحریف واقعیت.

در مطلب نشریه پارس پژواک می‌خوانیم: «در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی ارتش‌های شوروی، بریتانیا و آمریکا، گروهی از دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای ملی ایران، برابر درخواست امتیاز نفت از سوی آمریکا، بریتانیا و شوروی با جنگ و دندان مخالفت کردند. روس‌ها با حمایت بریتانیا برای کسب امتیاز نفت، حتی دست به ایجاد فرقه دمکرات و تجزیه آذربایجان زدند. اما هشباری و ایستادگی مردم ایران، گروهی از دولتمردان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۲) با وجود اشغال ایران نتوانستند به گرفتن امتیاز نفت موفق شوند».

در همین چند سطر فوق متاسفانه هم تحریف صورت گرفته و هم راه و روش ستوده شده است که کشور ما را به این روز فلاکت‌ناپذیر انداخته است. پیام اصلی نوشته را می‌توان به شرح زیر ترجمه و خلاصه کرد:

۱ - اشغال ایران از سوی قوای متفقین برای گرفتن امتیاز نفت بوده است، نه استفاده از راه‌های ارتباطی آن در جنگ علیه آلمان هیتلری که رضا شاه سنگ آن را به سینه می‌زد.

۲ - جنبش ملی آذربایجان تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان ایران ساخته و پرداخته روس‌ها بوده است.

۳ - در این رابطه قوام‌السلطنه و سایر مدافعین نظام استبدادی بدون این که نامی از آن‌ها برده شود، دولتمردانی قلمداد شده‌اند که با جنگ و دندان از منافع ملی ایران دفاع نموده‌اند.

۴ - سرکوب جنبش حق‌طلبانه مردم آذربایجان ایران توسط ارتش محمد رضا شاه مستبد را نتیجه هشیاری مردم دانسته و آن را ستوده است. و پیشاپیش تکلیف خود را با هر گونه جنبش ملی روشن کرده و سرنوشت مشابهی را برایش رقم زده‌است. گرچه در نوشته فوق نشریه پارس پژواک هیچ دلیل تاریخی برای اثبات ادعاهای مطرح شده ذکر نگردیده، در زیر سعی می‌شود با ذکر فاکت‌ها و اسناد تاریخی، غیرواقعی و نیز تفرقه‌افکنانه بودن مضامین گنجانده شده در آن اثبات شود.

\*\*\*

۱ - چرا ایران در دوران جنگ دوم جهانی اشغال شد؟ نویسنده مطلب شاید از این تئوری تبعیت کرده است از آنجا که مردم ایران «حافظه تاریخی» ندارند و گذشته را زود فراموش می‌کنند، خواسته در مورد تاریخ نه چندان دور کشورمان هرچه در چپته ناسیونال شوینیست خویش داشته، گستاخانه بیرون ریزد و به خورد خلائق دهد.

قبل از این که رضا شاه با حمایت اخوندزادای به نام سید ضیاءالدین که امروزه در عامل انگلیسی‌بودن به دشواری می‌توان شک کرد (۱) کودتا نموده و قدرت را به دست گیرد، دولت نوینباد اتحاد جماهیر شوروی با وجود سیاست خصمانه و تقوق‌الدوله رئیس‌الوزرا وقت، خطاب به دولت و ملت

کردستان ایران) را اختصاص دادم به آمار و ارقام منتشر شده در صد سال گذشته (۱۸۸۸ تا ۱۹۸۸ میلادی).

استفاده از تضادگویی‌های آماری رژیم‌های حاکم و رشد جمعیت خلقت‌های مختلف و پیش از همه ارقام و آمارهایی که محققان و ماسوران خارجی که دهها سال در منطقه زیسته و تحقیق کرده‌اند را مبنای کار قرار داده‌ام. بعلاوه اینها، آنچه که به مردم مربوط می‌شود از شمارش شهرها و دهکده‌های کردنشین و آمارهای تخمینی تعداد کردهای مقیم آن مناطق نیز برای ارائه این ارقام کمک گرفته شده است.

در حالیکه امروزه مسئله جهانی‌شدن (گلوبالیزاسیون) مطرح است، آیا برداختن به مسئله علینها دیگر ضرورتی دارد و آیا ارتباطی بین این دو دیده می‌شود؟

● اتفاقاً با مطرح‌شدن این سیستم نو، برای نمونه اتحاد کشورهای اروپایی و غیره، هرچه بیشتر طرح مسئله ملی را می‌طلبد. این دو مقوله نه اینکه در تضاد نیستند بلکه مکمل هم‌اند و ضروریست. اینجا بنده می‌پرسم: مگر اتحاد

اقتصادی اروپا به شیوه زندگی ملیتها از نظر فرهنگی و زبانی تغییری داده است؟ مسلماً نه. در نهایت تمام اروپا اگر هم در هم ادغام شوند، سیستمی همانند کانتونهای کشور سوئیس در سطح بسیار بزرگتری تشکیل خواهد شد. همانگونه که خلقت‌های اروپا دارای زبان و مذهب و تا حدودی رسم و رسومات متفاوت هستند ولی از نظر اقتصادی و اجتماعی بهم نزدیک شده و در حال اتحاد با هم می‌باشند، این مسئله هم می‌تواند در مورد، مثلاً کشورهای خاور میانه که دارای منافع مشترکند، عملی عاقلانه خواهد بود و هیچگونه لطمه‌ای نیز به فرهنگ خلقت‌ها وارد نمی‌آورد. تنها نیاز ما به آگاهی بحق خود و حقوق دیگران است و بس. در این بحث بارها به آن اشاره شده که یکی از شرایط هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اتحاد نیروهای وسیع‌تر در جوامع مختلف، احترام‌نهادن به حقوق دیگران است.

## مصاحبه با محقق گرد

ادامه از صفحه ۸

بلکه حتی بدون مجوز قانونی حکم دستگیری او را صادر می‌کنند. در اینجا فرق قاضی بین مدعیان دمکراسی در حرف و در عمل بخوبی دیده می‌شود.

○ به نظر شما جهت بازسازی مناطق ملی که تحت تاثیر حکومت‌های شوینیستی هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عقب‌مانده هستند، چه اقداماتی ضروری است؟

● نخستین قدم بهره‌برداری از منابع طبیعی و بکارگیری آن در جهت ایجاد امکانات اقتصادی از جمله ایجاد ساختمانها و راه‌های ارتباطی و بهبودبخشیدن به وضع کشاورزی و ایجاد صنایع و تکنولوژی مدرن و تقویت‌بخشیدن به صنایع دستی و امکانات زندگی و به کارگماردن افراد بومی است. که این اقدامات زمینه را برای بازسازی این مناطق فراهم

می‌آورد. دومین قدم ایجاد مدارس و مکانهای آموزشی تا سطح دانشگاه و ایجاد سیستم بهداشتی و امکانات تفریحی برای جذب نیروی متخصص بومی به سرزمین خویش و سهم‌نمودن آنان در بازسازی منطقه است. اینها آن نکات گرهی هستند که باید به آنان توجه جدی بشود. در پایان برای آگاهی هموطنانی که اغلب آمارهای نادرست و کما‌بلا بی‌اساس و اشتباه در باره خلقت‌های ایران دیده و خوانده‌اند، نسبت و ترکیب این ملیتها را به شرح زیر می‌آورم. قبل از این کار باید عرض کنم که این موضوع نه فقط برای نیروها و سازمانهای مترقی، بلکه حتی برای محافظه‌کاران نیز واضح و روشن است که ایران سرزمینی کثیرالمنطقه است. یعنی در آن در کنار حدود ۴۷ فارسی حدود ۲۸ آذربایجانی، حدود ۱۷ کرد، حدود ۳ بلوچ، حدود ۲ ترکمن، حدود ۳ عرب و چندین هزار نفر از اقلیت‌های مذهبی (یهودی و ارمنی) کشور شصت و چند میلیونی ایران را تشکیل می‌دهند. قابل ذکر است، اگر در مقابل ارقام

«واژه حدود» بکار گرفته شده به این دلیل است که دیکتاتورهای حاکم بر ایران هیچگاه رسماً آمار دقیقی از خلقت‌های غیر فارسی ارائه نداده‌اند.

بعنوان آخرین جمله باید عرض کنم که کردستان در ایران فقط استان شناخته‌شده کردستان نیست بلکه شامل چهار استان کردنشین ایران، یعنی استانیهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاهان و ایلام است که جمعاً وسعتی برابر با ۱۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و جمعیتی حدود ده و نیم میلیون نفر کرد در ایران زندگی می‌کنند. حالا امکان دارد پرسیده شود، اگر آمار و ارقام درستی تاکنون از طرف دیکتاتورهای حاکم ارائه نشده پس بنده این آمارها را از کجا آورده‌ام؟ پرسش بسیار درست و بجائی خواهد بود. به همین دلیل پاسخی عرض می‌کنم که امیدوارم قانع‌کننده باشد. بنده فقط بخاطر این حق‌کشی‌ها در رابطه با آمارهای ناقص و متضاد اقلیت‌های ملی و مذهبی ساکن منطقه خاورمیانه، بخشی از کتابم (یکسال حکومت خودمختار در

## مصاحبه با محقق کرد، دکتر گلنراد مرادی

سیامک کلهر

در راستای پرداختن به مسئله قوم‌ها و ملیت‌ها که هم اکنون یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ما را تشکیل می‌دهد، کمیسیون امور خلق‌ها در سازمان فدائیان خلق اکثریت تصمیم گرفت که کلیدی‌ترین مسائل و نیازهای اساسی در حل مسئله ملی را در قالب مصاحبه‌هایی با تنی چند از کارشناسان و مبارزان کرد، در میان بگذارد، باشد که پاسخگوی خوانندگان نشریه کار و دست‌اندرکاران حل مسئله ملی در میهنمان واقع شود.

در این شماره گفتگو و پرسش و پاسخ با رفیق دکتر مرادی که محقق و کارشناس در امور ملیت‌ها بویژه در امور کردستان ایران می‌باشند، را به چاپ می‌رسانیم.

با سپاس از رفیق دکتر مرادی و آرزوی سلامتی و موفقیت برای ایشان.

\*\*\*

سوال: به نظر شما محوری‌ترین موضوعات در حل مسئله ملی کدامند؟

پاسخ: اگر ما به این اصل مهم و اساسی اعتقاد داشته باشیم که هرانسانی در انتخاب راه و روش زندگی خویش آزاد است و این آزادی را فقط در آن حد، محدود بدانیم که به سمرز آزادی دیگران می‌رسد، پس باید این حق را نیز برای گروهی یا جمعی از انسانها که دارای فرهنگ و زبان و رسم و رسومات و آداب و لباس ویژه و منافع اقتصادی و سرزمین مشترک و غیره هستند و ما آن گروه یا جمع را ملت یا خلق می‌نامیم، قایل باشیم. به نظر من اساسی‌ترین موضوع همین شناسایی آزادی و حقوق دیگران تا حد و مرز آزادی و حقوق خود می‌تواند باشد. اگر فردی یا افرادی این ابتدائی‌ترین شرایط همزیستی را برای دیگران قبول نداشته باشند، دیگر بحث در باره موضوع، ابطال وقت و به بدررفتن نیرو است. پس ما از این نکته حرکت می‌کنیم که این شرط اولیه موجود و تثبیت شده است. در اینصورت می‌توان در پاسخ به پرسش فوق دو نکته مهم را نام برد: یکم، درک مفهوم حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و دوم درک و فهم دموکراسی و شیوه استقرار آن در یک جامعه.

اگر ما این دو مقوله بسیار ساده، یعنی دموکراسی و حق تعیین سرنوشت خلقها در جامعه را بفهمیم و آنها را قبول داشته باشیم، مسئله ملیت‌ها نیز بسادگی حل است. اکنون امکان دارد شما از بنده بپرسید که من از حق تعیین سرنوشت و دموکراسی چه تعبیری دارم و درکم از آنها چیست؟ بنده از حق تعیین سرنوشت، آزادی برای هر ملتی از یوغ استعمار بیگانگان و حق تصمیم آزاد برای اداره امور خویش به دست خود می‌فهمم. یعنی تحقق اراده هر ملتی برای ادامه زندگی با دیگر ملتها و یا اراده آزاد به تشکیل دولت و کشوری مستقل. و دموکراسی بنظر من یعنی آنکه، ما انسانها در انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن و در تصمیم‌گیری در پاره شیوه و فرم زندگی خود آزاد باشیم. آزاد تا آن حد که به آزادی دیگری تجاوز نشود. روزا لوگزامبورگ لهستانی‌الاصل تابع آلمان، در این باره گفته بود: «آزادی من در آنجا به پایان می‌رسد که آزادی دیگری آغاز می‌گردد» (نقل بمعنی).

خوب اگر در سرزمینی دموکراسی به این فرم واقعی خود برقرار شود، مسئله ملی بطور خودکار حل می‌شود. در بحثهای رایج، هستند افرادی بظاهر دموکرات که بقول خود با دموکراسی موافقت، ولی با این تز که خلقها حق جدائی داشته باشند، موافق نیستند، زیرا اعتقاد دارند که به قول آقای خاتمی «امنیت کشورهای منطقه به خطر می‌افتد» و نهایتا منجر به تجزیه کشوری می‌شود! البته ما اینها را یک نوع توجیه گری و مدرک برای براحتی سرکوب‌کردن می‌دانیم. حالا بفرض اینکه چنین کاری انجام شود! آیا این دوستان هیچگاه به خود این زحمت را می‌دهند که بپرسند، چرا یک ملتی نمی‌خواهد با ملت دیگری زیر یک چتر در کنار هم زندگی کند؟! پسر مسلم است که نه! آنان علیل را نمی‌بینند، بلکه معلول را می‌بینند. در واقع نمی‌خواهند ببینند که در سیستمهای دیکتاتوری، ملیت‌های حاکم، اگر چه خود اغلب تحت ظلم دیکتاتوری قرار می‌گیرند، ولی با این وصف هرگز آن حقی را که برای خود خواسته و داشته‌اند، به دیگر ملیت‌ها روا نمی‌دارند. بنظر من این خود نشانه نداشتن درک درست از دموکراسی و نبود دموکراسی در چنین سرزمینی بوده و هست. آیا هیچ وقت شنیده‌اید که مثلا یکی از بخشهای فرانسوی و ایتالیایی یا آلمانی‌نشین کشور سوئیس بخواهد از آن کشور چندملیتی جدا شده و به کشور مادر بپیوندد؟! بدون شک نه! زیرا آن ملتها در کشورشان از نظر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی

احساس هیچگونه کمبودی نکرده و نمی‌کنند. پس باید به این نتیجه رسید، آن کسانی که با شمشیر تیز تهمت تجزیه‌طلبی می‌خواهند جلو تجزیه کشور را بگیرند، خود تجزیه‌طلب و ضد سیستم دموکراتیک هستند.

از نظر شما چه رابطه‌ای بین مبارزه برای احقاق حقوق ملی با مبارزه برای استقرار دموکراسی در سرتاسر ایران وجود دارد و چگونه می‌توان رابطه منطقی بین این دو ایجاد کرد؟

فکر می‌کنم رابطه بین حقوق ملی و استقرار دموکراسی حداقل در کشور خود ما، اساسی‌ترین موضوعی است که باید به آن توجه جدی نمود. زیرا خلقهای ایران چوب ارتباط‌ندادن این دو خواست مهم از طرف برخی از نیروهای پیشرو خود را می‌خورند. پس روشنفکران و رهبران نیروهای مبارز کشور ما باید بدانند و مصلحت را کنار بگذارند که هیچ سیستم دموکراتیکی در یک سرزمین چندملیتی نمی‌تواند بوجود بیاید، اگر حق و حقوق ملیت‌های آن سرزمین رعایت نشود. پس مبارزه برای استقرار دموکراسی با مبارزه برای احقاق حقوق خلقها در واقع پشت و روی یک سکه هستند. نمی‌توان شعار استقرار دموکراسی بر پرچم مبارزه خود نوشت ولی در مقابل حقوق ملیت‌ها سکوت نمود. برای مبارزه و دستیابی به این آرمان والا، یعنی آزادی و استقرار دموکراسی، نخست نیاز به آگاهی توده‌ها به حقوق ملی خویش و بسیج آنها است نه فقط شعار و کوشش برای قبضه کردن قدرت.

خلقهای اقلیت هنگامی به دنبال سازمانها و نیروهای مبارز روان می‌شوند که ابتدائی‌ترین حقوق آنها در برنامه و اهداف این سازمانها گنجانده شده و پیشدوری‌ها و پیش‌شرطها کنار گذاشته شده باشند، یعنی شناسایی و دفاع از حقوق ملیت‌ها رکن اصلی مبارزه برای دموکراسی بدانند، در غیر آن، راه بجائی برده نخواهد شد. بنده، بعنوان مثال، سالیان دراز است که روی این شعار حزب دموکرات کردستان ایران یعنی: «دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان» فکر می‌کنم. نهایتا به این نتیجه رسیدم که رهبران آن زمانی این حزب دقیق انگشت روی نکته ضعف سنترالیستی و هواخوان حکومت‌های مطلقه گذاشته بودند. همین شعار به این سادگی ده سال است که وحشت عجیبی در دل خواستاران حکومت‌های مقتدر و مرکزی ایجاد نموده است. چیزی که به خلق کرد در سراسر منطقه مربوط است، بنده بارها در محافل گوناگون، این شعار حزب دموکرات کردستان ایران را بدین صورت تکمیل و تکرار نموده‌ام: مبارزه برای استقرار دموکراسی در منطقه خاورمیانه و آزادی و حق تعیین سرنوشت برای خلقهای این سرزمینها. در غیر این صورت نه دموکراسی معنی و مفهومی می‌تواند پیدا کند و نه اگر در بخشی دموکراسی نیم‌بندی هم ایجاد شود، قادر به دوام خواهد بود. برای ایجاد رابطه منطقی بین مبارزه خلقها برای احقاق حقوق خود و مبارزه برای دموکراسی، باید قبل از هر چیز دیگر بدانیم که این دو لازم و ملزومند و از هم جدائی‌ناپذیر. زیرا دموکراسی بدون رعایت حقوق خلقها بویژه در ایران چندملیتی معنی و مفهومی ندارد و حقوق خلقها نیز در یک سیستم دیکتاتوری و مطلقه بدست نخواهد آمد. یعنی اگر ما امیدوار باشیم که در سایه ولایت فقیه قادر به دستیابی بحقوق حقه خود هستیم، راهی است به ناکجاآباد.

ارزیابی شما از عملکرد جمهوری اسلامی در پرداختن به حل مسئله ملی چگونه است؟

در واقع رهبران جمهوری اسلامی تاکنون هیچ قدمی در راه حل مسئله ملی برنداشته است. زیرا آنان همانند سلف خود و با تابعیت از زبان قرآن لایسخرقوم من قوم و قول خدای تعالی: و نسا من نسا یا زنان به تبعیت مردان داخل قومنند، (رجوع کنید به دهخدا ج ۲۸ زیر حرف ق) خلقهای ایران را اقوام ایرانی می‌بینند و نه ملیت‌های گوناگون با فرهنگ و زبان متفاوت. رهبران مذهبی تا آنجا که بنده آگاهم، با مشکلی زیر نام مسئله ملی آشنا نیستند. برای آنها همه به اصطلاح اقوام ایرانی برادرند و مسلمان و زبانه و فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت را هم مشکل اصلی نمی‌دانند و اگر از طرف خودی‌ها احساس خطر نکنند، بی‌شک

این خود نقض فاحش دموکراسی خواهد بود. یعنی تو علنا حق انتخاب آزاد را که با تو باشم یا نباشم از من نوعی می‌گیری!

فئوده فزازه‌های جنبش ملی دموکراتیک در کردستان ایران کدامند؟

برای پاسخ به این پرسش اجازه دهید چند نکته تاریخی را یادآوری نمایم. اگر ما به تاریخ مبارزات خلقها مراجعه کنیم، خواهیم دید که جنبش نوین ملی در جهان و ایران و از جمله جنبش ملی دموکراتیک خلق کرد، دارای عمر چندین درازی نیست و عمر طرح مسئله ملیت‌ها هم زیاد دراز نمی‌باشد. چندین سال پیش بنده مقاله‌ای در رابطه با مسئله ملی و حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، نوشتم که نخست بزبان آلمانی در سال ۱۹۹۳ منتشر شد و بعد هم چاپ آن بزبان فارسی در مجله آرش شماره ۲۶ سال ۱۹۹۷ انجام گرفت. در آن مقاله آورده‌ام که برای نخستین بار در تصمیم‌کنگره بین‌المللی سال ۱۹۸۶ در لندن، از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بطور رسمی سخن به میان آمده بود. این مسئله در کنگره اول مبارزان روسیه در سال ۱۹۰۳ به صورت یک تر رسا گنجانده شد. پس طراحی عملی مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت خلقها نخست توسط دموکراتهای انقلابی روسیه به رهبری ولادمیر ایلیچ لنین انجام گرفت. در واقع نقش انقلابیون روسیه و بعدها پیدایش یک سیستم در زمان خود نو، در مقابل سیستم کهنه استعماری و سرمایه‌داری هار، در آگاهی خلقها برای احقاق حقوق خویش بسیار حیاتی و مهم بود.

اولین جنبش مستقل خلق کرد در ایران، که ماموران انگلیس در آن زمان، در گزارشاتشان آن را متردنان و پاندهای راهزن می‌نامیدند، به رهبری اسماعیل آقا سیستکو از ایل شکاک احزاب در واقع این جنبش را برای تشکیل احزاب سیاسی مدرن در کردستان ایران و نشر نظریات و خواستهای سیاسی و ملی خلق کرد باز نمود. پس می‌توان از جنبش اسماعیل آقا سیستکو، اگر چه نخست به خونخواهی برادرش علیه حکومت مرکزی (بین سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۰ میلادی) بپا شده بود، بعنوان یکی از فرازهای جنبش ملی خلق کرد، به نیکی نام برد. کشته‌شدن اسماعیل آقا سیستکو با تیرنگ رضاخان، خلق کرد را بیشتر به ادامه جنبش حق‌طلبانه واداشت. بنابراین، مقاومت بس خون‌باری علیه حکومت دیکتاتوری رضاخان میرنچ نشان داده شد و در این راه صدها کرد زیر نام یاشیگری علیه دولت دستگیر، کشته و یا زندانی شدند. در نتیجه آن، و همچنین غیر قابل تحمل بودن جو اختناق رضاخان و ورود متفقین به ایران در سال ۱۹۴۱ بخاطر جلوگیری از دامنه جنگ دوم، و استعفا و فرار رضاشاه، زندانیان سیاسی در سراسر ایران و از جمله زندانیان سیاسی کرد آزاد شدند و اولین حزب سیاسی کرد به معنای امروزی تشکیل گردید.

بزرگترین دستاورد این دوره از جنبش برحق خلق کرد یک سال حکومت خودمختار در کردستان، در بخش کوچکی (یک سوم از خاک کردستان ایران) از سرزمین کردها بود که امروزه در ادبیات بین‌المللی به جمهوری مهاباد معروف است. لازم به تذکر است که بنده در این باره نیز کتابی به زبان آلمانی نگاشته‌ام که متأسفانه بعد از یازده سال از انتشارش، هنوز فرصتی برای برگرداندن آن به زبان فارسی بدست نیامده است. در مورد جنبش خلق کرد بطور اعم، و جمهوری کردستان یکسال حکومت خودمختار در کردستان ایران) بطور اخص، دهها جلد کتاب و صدها مقاله و تفسیر نگاشته شده است. در این نوشته‌ها که اکثرا از طرف مخالفان جنبش خلق کرد، به رشته تحریر درآمده، یک نکته مهم محور اصلی بحث قرار دارد و آن تهمت واهی تجزیه‌طلبی به کردها است. این خود یک بحث مفصل است و کمتر به پرسش ربطی دارد. بنابراین از توضیح آن چشم‌پوشی می‌شود. مسئله مهم دیگر رشد هر چه بیشتر آگاهی سیاسی و ملی در میان اقشار مختلف خلق کرد از بعد از انقلاب بهمین است.

چه اقدامات عملی و مسکن را از نیروهای چپ و دموکرات انتظار دارید؟

ما کردها به دلیل خصلت نیک حق‌شناسی، همیشه و در همه حال نیروهای چپ و دموکرات

را حامی و پشتیبان خود دانسته و می‌دانیم و برای اثبات این حق‌شناسی خلق کرد و احزاب پیشرو آن، در بخشهای امن در کردستان، مهرباندار بسیاری از رهبران و کادرهای برجسته احزاب و سازمانهای مترقی، در هنگام حمله وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم اسلامی علیه اپوزیسیون، بودند و تا حد امکان میدان سازمان‌دهی و بازسازی مجدد نیروها را برای آنها فراهم آوردند. اکنون انتظاری که بنده به عنوان یک کرد از نیروهای چپ و دموکرات خلق حاکم در جامعه ایران که خود نیز تحت پیگرد رژیم مذهب‌سالاری هستند، دارم، که بدون شک اکثر احزاب مترقی در کردستان نیز با من در این زمینه هم‌اوا خواهند بود. آنست که:

اولا، این نیروها از آندسته باشند که به دموکراسی یعنی واقعی آن یعنی هواداری از حق تعیین سرنوشت تا جدائی و تشکیل دولت مستقل، اعتقاد دارند و برای پیشبرد این اعتقاد، زمینه‌ای بوجود آورند، که حداقل در میان مردم واژه دموکراسی بمفهوم واقعی ترویج پیدا کند. باید حداقل برای هواداران خویش و دیگر مردمان خلق حاکم روشن نمایند که در یک سیستم مردمی و دموکراتیک آنچه ما برای خود خوب می‌دانیم، نمی‌توان از دیگران دریغ داشت. دوما، معتقد باشند که شرط غلبه بر هر دیکتاتوری و به دست آوردن زمینه برای برقراری یک سیستم دموکراتیک، اتحاد عمل همه نیروهای مترقی خلقهای یک سرزمین است و این اتحاد زمانی می‌تواند عملی شود که حرف و عمل نیروهای چپ و دموکرات در مقابل خواست اقلیت‌های ملی و مذهبی، یکی باشد و از برخی از پیش‌شرطها چشم‌پوشی بعمل آید. یعنی معتقد باشند، همانگونه که در پیش به آن اشاره شد، حق تعیین سرنوشت خلقها یک حلقه مهم از آرمانهای دموکراتیک است. اینها آن نکات گرهی و بسیار مهمی هستند که ما از رفقای چپ و دموکرات خلق حاکم انتظارش را داریم. خلقهای اقلیت در ایران از آن دسته از موافقان اصول دموکراسی که در حرف اعتقاد به برابری ملیت‌های مختلف دارند ولی در عمل شرط و شروطی قایل می‌شوند، مانند: «شما مثل بقیه مردم ایران آزادید، اما باید بزبان فارسی فرزندانان را تربیت کنید و آموزش دهید! شما آزادید، اما اگر انتخاباتی لطمه‌ای به تمامیت ارضی وارد آورد، با تمام قوا جلوتان را خواهیم گرفت!»! انتظار دارند که این شرط و شروط را با معیار دموکراسی و تعریف آن بسنجند و از خود بپرسند، آیا این اگرها با دموکراسی همخوانی دارند؟

اصولاً بدون حل دموکراتیک و عادلانه مسئله ملی می‌توان دارای یک جامعه دموکراتیک بود؟

پاسخ به این پرسش، در یک کلام باید با صراحت گفت، در جامعه چندملیتی ایران نه! مگر نه، ما از سیستم دموکراتیک، رعایت حقوق مساوی بین انسانها و ملتها و آزادی بیان، آزادی انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن و آزادی در انتخاب محل و شیوه زندگی و آزادی انتخاب شغل و غیره را می‌فهمیم؟ پس حتی اگر یکی از این شرایط نادیده گرفته شود، مسلماً بمعنی نقض دموکراسی است. مثلا اگر ما بخشهایی از مردم سرزمینمان را که دارای زبان محاوره‌ای دیگری از زبان ما هستند، مجبور کنیم که به زبان ما پرورش یابند، این خود ناقض سیستم دموکراتیک است، یعنی ما علنا حق آزادی انتخاب شیوه زندگی و پرورش را از بخشی از هم‌وطنان خود سلب نموده‌ایم. به همین ترتیب معنی یک جامعه دموکراتیک آن است که در آن به کسی یا گروهی هیچگونه ظلم و اجحاف نشود. در حالیکه در طول تاریخ مطرح‌شدن ملیت‌ها، بالاترین اجحاف و حق‌شناسی از طرف دیکتاتورها به ملت‌کرد شده است. اکنون اگر نیروهای پیشرو مایل به برچیدن سیستم ترور و اختناق و استقرار دموکراسی باشند، نخستین شرط آن، آنگونه که در پیش نیز اشاره شد، اتحاد همه خلقهای ایرانست. این اتحاد را فقط با گنجاندن اصل رعایت حقوق دموکراتیک خلقها در برنامه اتنی خود می‌توان بوجود آورد. آزادی و دموکراتی نه فقط در حرف بلکه در عمل شرط جلب اعتماد خلقهاست. مثلا روحانیون حاکم بر ایران گاهگاهی در محافل ملی و بین‌المللی مدعی هستند که در ایران دموکرات‌ترین سیستم حاکم و آزادی مطلق برقرار است و هیچ مشکل ملی و مذهبی نیست! (نقل به معنی). در صورتی که اینک اقلیت‌های مذهبی حتی آنها که اسلام به رسمیت شناخته است، در بدترین شرایط بسر می‌برند، بلکه اگر مردم منطقه‌ای نمایند خود را با برای اکثریت مطلق برای مجلس انتخاب کنند، نه اینکه از ورود این نماینده به مجلس جلوگیری می‌شود ادامه در صفحه ۷





**«کانون سبزه‌های ایران»**
**مجلس اپوزیسیون را تشکیل دهیم**
**نگارش: امیر مومبینی**

sabzha@chello.se

مقابله با چین و روس وصل خواهد کرد. ایران مسیر لوله‌های نفت خواهد شد و پل ارتش‌ها. ایران به مناطق مستقل زیر سلطه تقسیم خواهد گشت و هرگونه اراده مشترک واقعی از میان خواهد رفت. جمهوری اسلامی رژیمی است ارتجاعی که با کردار خود هرگونه تعرضی به کشور ما را می‌تواند توجیه کند. سران این رژیم در حالی که چراغ عمر آن بر لب پام است هنوز حاضر نیستند مذاکره با آمریکا را بپذیرند. اینان در حالی که می‌بینند مردم با خانه و کاشانه صدایمان و با آن تمناها و مجسمه‌ها چه می‌کنند باز دست از دوزبازیهای سیاسی خود برنمی‌دارند و به قیمت خفه‌شدن خودشان حاضر نیستند ذره‌ای راه نفس مردم را باز کنند. تا اینان تصمیم بگیرند و مذاکره با آمریکا را مجاز کنند و گامی از استبداد خود پس بنشینند شمشیر حادثه بر ما فرود آمده است. در ایران هیچ اراده‌ای که کشور را در برابر حوادث هولناک محافظت کند وجود ندارد. اینان، همانگونه که صدام و طالبان نشان دادند، به قیمت نابودی کامل کشور روی سود و سودای خود چسبیده خواهند زد. اینان نمی‌توانند هیچ ابتکار عملی به خرج دهند، چون خود در پیچ و خمهای نظامی که پدید آورده‌اند گرفتار شده‌اند و هر کدام تصمیم آن دیگری را خنثی می‌کنند.

در چنین شرایطی آزادی خواهان و نیروهای سیاسی مسئول باید چاره‌ای بیاندیشند. ما زمان طولانی برای ادامه بحث‌های طولانی وحدت و اتحاد نداریم. ما نیازمند تبادل نظر و تصمیم‌گیری مشترک فوری هستیم. اپوزیسیون باید اراده‌ای مشترک داشته باشد و در برابر مسایل حاد با پیشنهاد سازنده وارد میدان شود. اپوزیسیون آزادخواه باید در مناظرات و مشاخراتی که بر سر ایران صورت می‌گیرد طرف بحث قرار گیرد و روی بحث‌ها به سود صلح و آزادی و استقلال تأثیر بگذارد. با توجه به مشکلات اتحادهای از نوع کلاسیک، تنگی وقت، کانون سبزه‌های ایران نیروهای اپوزیسیون را به یافتن راه‌حل‌های عملی فوری و موثر فرا می‌خواند. نظر ما این است که در این شرایط، به موازات دیگر تلاشها، تشکیل مجلسی مرکب از نمایندگان گروه‌های سیاسی، نهادهای سیاسی - فرهنگی و مبارزین مستقل می‌تواند عملی‌تر باشد. این مجلس می‌تواند بسلافاصله پس از تعیین نمایندگان احزاب سیاسی و محافل مستقل سیاسی و روشنفکری

تشکیل شود. تعیین شیوه کار و چگونگی ترکیب نمایندگان و سند پایهای سیاسی این مجلس می‌تواند به خود آن و یا به انجمن مستقلی از حقوقدانان و متخصصین مترقی واگذار شود. این مجلس قبل از هر چیز ضروری است چند مسئله حاد را در دستور کار قرار دهد. از دید ما این موارد به شرح زیر می‌توانند باشد:

- ۱- برقرار کردن ارتباط با سازمان ملل متحد به نمایندگی مجموع اپوزیسیون آزادخواه ایران.
- ۲- اعلام اراده مشترک اپوزیسیون در دفاع از آزادی مردم ایران و حکمیت سازمان ملل متحد.
- ۳- برقرار کردن ارتباط و انجام مذاکره با آمریکا و کشورهای اروپایی در جهت جلب آنها به حمایت فعال از روند استقرار آزادی در ایران زیر نظر و رهبری سازمان ملل متحد.
- ۴- تلاش برای خنثی کردن مداخله نظامی خارج از قلمرو سازمان ملل متحد علیه ایران.
- ۵- دعوت از سازمان ملل متحد برای یاری فعال آزادخواهان ایران و فشار همه‌جانبه بر رژیم جمهوری اسلامی برای تأمین آزادیهای سیاسی و پذیرش فرآیند.
- ۶- سازماندهی یک مبارزه فعال برای استقرار دموکراسی در کشور.

کانون سبزه‌های ایران از کانون نویسندگان ایران، کانون نویسندگان ایران در تبعید، محافل علمی، ادبی و هنری ایران، احزاب و سازمانهای سیاسی پرسابقه، جبهه ملی ایران، نهضت آزادی ایران، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، راه کارگر، جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی، شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران، اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، جنبش خمیستی ایران، تشکلهای دانشجویی در ایران، نهادهای گرداننده روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیونهای ایرانی و سایر نیروهای سیاسی آزادخواه با هر مسلک و مرامی می‌خواهد که با پیش بگذارند و نهادی را برای هماهنگ کردن جنبش آزادی تشکیل دهند. هرگونه ابتکاری که منجر به یکی شدن اراده اپوزیسیون در دفاع از صلح و آزادی شود از اهمیت زندگی بخش برخوردار است.

کانون سبزه‌های ایران ۱۱ آپریل ۲۰۰۳

**چرا جمهوری خواهان دمکرات**

دارا

تشکیل جبهه‌ای متشکل از جمهوری خواهان دمکرات امروز به مبرم‌ترین وظیفه چپ و میهن پرستان تبدیل شده است. حالا چرا جمهوری خواهان - دمکرات؟ و نه جمهوری خواهان تنها.

به این علت که دیگر از بدهیهای است که راه رشدی جز سرمایه‌داری وجود ندارد. دیگر حاکمیت شوراها مربوط به گذشته‌های تلخ و تجارب شکست خورده‌ای هستند. دیگر ضد آمریکایی بودن نشانه‌ای از مترقی بودن نیست. دیگر شعار کارگران جهان متحد شوید خنده‌آور است. دیگر رسالت براندازی مناسبات سرمایه‌داری بیماری کودکی نیست و در بزرگسالی مرض مزمنی شده است.

دیگر زمان آن رسیده است که هر انترناسیونالیسمی از سحرهای ناسیونالیسم سازنده بگذرد. دیگر مبارزه برای آزادی ایران منوط نباشد به آزادی فلسطین و حل هزاران معضل جهانی دیگر. باید پذیرفت که آنچه امروز در جهان به نام دموکراسی موجود است در نتیجه رشد مناسبات سرمایه‌داری خصوصی است و نه هیچ چیز دیگری. اگر زحمت‌کشان هم نتوانستند در نتیجه مبارزات خود امکانات بیشتری کسب کنند هم نتیجه مناسبات سرمایه‌داری است. وگرنه چرا در اردوگاه سابق سوسیالیستی به چنین امکاناتی دست نیافتند؟

بنابراین باید واقعیت‌ها را پذیرفت و جبهه‌ای ساخت که تنها خواست آن ایجاد جمهوری (یعنی انتخابات متناسب برای تمامی مقامات) و اعتقاد به مصون ماندن نظام از نظر ساختاری از هرگونه ایدئولوژی یا باور مذهبی است. حدود ۲۳۰ سال پیش در اواخر حکومت کریم خان زند، در آمریکا بیانیه‌ای صادر شد به نام بیانیه استقلال در مقدمه آن آمده است. «ما می‌گوییم که این‌ها حقایقی هستند، تمامی مردمان برابر آفریده شده‌اند و حقوقی اساسی دارند که هرگز نمی‌توان این حق را از آن‌ها گرفت - مردم حق دارند زندگی کنند، حق دارند آزاد باشند. و حق دارند در جستجوی خوشبختی تلاش کنند و برای تضمین چنین حقی است که مردم دولت را می‌آفرینند، هر دولتی باید از حمایت مردم آفریننده خود برای اداره امور برخوردار باشد. اگر دولتی حمایت مردمی را از دست بدهد با تلاش کند که آزادی‌های اساسی را از آن‌ها بگیرد. مردم حق دارند که دولت خود را عوض کنند یا از شر آن رهایی یابند و دولت نویی به پا کنند که مدافع حقوق اساسی آن‌ها باشد.»

بنابراین تنها خواست یک جبهه جمهوری خواه دمکرات باید ایجاد چنان نظامی باشد که در آن آزادی همه شهروندان برای انتخاب شدن و انتخاب کردن هر چهار ساله یا ۲ ساله تضمین‌های کافی را داشته باشد، هر چیز دیگری منوط است به تصمیم نمایندگان مردم در مجلسین برای مدت انتخاب شده. هیچ قانونی جز حق مردم برای انتخاب در این نظام ابدی نیست.

**فرآیند دوم حق مشروع مردم**

ادامه از صفحه ۹

کاریکاتور سیاسی نگاه نکنند. ۳- عبرت از تاریخ انسان را از افتادن به ورطه نیستی باز می‌دارد. اما تحریف و تغییر تاریخ و یا فراموشی آن توسط بنیادگرایان و نظام‌های ایدئولوژیک مانع از درس گرفتن از آن می‌شود. اما نزدیکی زمانی وقایع افغانستان و همزمانی با جنگ عراق هر فرد بنیادگرا و نظام ایدئولوژیک را حیرت چند فراموش‌کار و اغماض‌گر نمی‌تواند به تامل واندازد.

و چه خوب است کسانی که باید درس و عبرت بگیرند، پیام جنگ عراق و افغانستان را تا دیر نشده است به خوبی دریابند تا سرنوشت ملتی را به مخاطره نیندازند. ما به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی ایران، برگزار می‌کنیم فرآیند ملی همسایگان غربی و شرقی ما (عراق و افغانستان) از فرآیند دوم در ایران سخن بگویند و دولتی خارجی مجری برگزاری آن باشد.

حمله آمریکا برای سرنگونی صدام و ایجاد زمینه‌های لازم برای اجرای استراتژی نوین آن، ضرورت چنین الترناتیوی را به همه ما تحمیل کرده است. و کمی وقت و فرصت‌هایی را که تاکنون بارها از دست رفته است را نسایان می‌کند.

حاکمیت ملاحا با مشخصه‌های کنونی مانعی بر سر راه اجرای طرح نوین آمریکاست. هیچ‌گونه همکاری یا گفتگوی پنهانی بین ایران و آمریکا نمی‌تواند این واقعیت را تغییر بدهد که نوبت ملاحا هم می‌رسد. این که بعد از ملاحا چه خواهد شد تا حدود زیادی به ۲ عامل بستگی دارد:

۱- ملاحا تا کجا بر سدر کردن راه اصلاحات اصرار خواهد کرد.

۲- نیروهای چپ و وطن پرست چگونه عمل خواهند کرد.

اگر وضعیت به همین گونه که هست پیش برود یعنی سرسختی ملاحا در مقابل پیشرفت بنیادین اصلاحات و گیر کردن چپ در تئوری‌های زائد دوران جنگ سرد ادامه یابد، برای من هیچ تردیدی وجود ندارد که پس از ملاحا سلطنت به نوعی به ایران باز خواهد گشت. و مسئولیت چنین عقب‌گردی در حله اول به گردن ملاحا و در درجه دوم به گردن اپوزیسیون رژیم اسلامی است.

۲۵ سال سرکوب، توهین، تحقیر و انواع بلیه‌های دیگر مردم ایران را به جان آورده است. و هیچ منطقی نمی‌تواند مردم را از مقایسه وضع حاضر با گذشته باز دارد. عدم حضور مردم در بازی‌های انتخاباتی رژیم که در رابطه مستقیم با پدیدار شدن روزنه امید که با حضور آمریکا در منطقه ایجاد شده است. تنها و تنها به این علت است که مردم از نیروهای خودی ناامید شده‌اند. این باور هر روز بیشتر در مردم شکل می‌گیرد که مقوله ملاحا نه با دندان ایرانی که با انگشت آمریکا باز خواهد شد.

اگر مقوله بالا درک نشود، اگر به آگاهی مردم بیهای پیش از حد بدهیم، اگر خواست واقعی مردم که همان زندگی در سایه امنیت و رفاه اقتصادی است درک نشود. اگر از آزادی خواهی مردم در کمی بیش از مطبوعات آزاد، آزادی شادی، آزادی لباس پوشیدن، آزادی در انتخاب شیوه زندگی است برداشت شود. بر ما الترناتیوی تحمیل خواهد شد که مردم آن‌را خواهند پذیرفت و آن هم چیزی جز بازگشت به گذشته نیست.

تاریخ سال‌های قبل و بعد از انقلاب به ما آموخته است که چپ سنتی جواب رد شنیده است. دیگر شعارهای دیکتاتوری کارگری، حاکمیت احزاب چپ و مبارزات ضدامپریالیستی حتی قادر نیست خود چپ‌ها را هم بسپرد که چه رسد مردم را.

معضل جامعه ما عقب‌ماندگی و جان‌سختی استبداد است و تنها الترناتیوی مدرن با دیدگاهی مدرن می‌تواند معضل نظام اسلامی را بدون بازگشت به گذشته برای همیشه حل کند.

**اطلاعیه هیات اجرائی کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران**
**در باره سقوط دیکتاتوری صدام و تحولات جاری در عراق**
**تصمیم در مورد آینده عراق باید توسط مردم این کشور صورت بگیرد**

سه جنگ مهیب را پشت سر گذاشتند. هشت سال جنگ با جمهوری اسلامی، سپس جنگ بر سر اشغال کویت و اکنون جنگ تحمیلی آمریکا بر مردم عراق که هنوز در جریان است. در این جنگ‌ها صدها هزار نفر عراقی جان باختند. اقتصاد کشور ویران شده است. منابع ثروت آن به غارت رفته است و هم اینک برای مابقی آن، دولت پیروز در جنگ با صدام کبیسه دوخته است. دولت آمریکا پیشاپیش بازسازی عراق را به شرکت‌های آمریکایی سپرده است، تا به حساب مردم عراق و غارت نفت این کشور، ویرانه‌های باقی‌مانده از بمباران‌های ارتش آمریکا را دوباره «بازسازی کنند».

مردم عراق احساس دوگانگی دارند. از یک سو سایه شوم رژیم ترور و سرکوب صدام حسین رخت بر بسته است، از طرف دیگر جایگاه این رژیم را اکنون نیروهای گرفته‌اند که حضور آن‌ها چندان ربطی به رهائی آن‌ها ندارد و این رهائی در آستانه تبدیل شدن به یک اسارت جدید است.

خود صدام مصیبتی برای مردم عراق بود، اینک سقوط او نیز، خود به مصیبت بزرگ‌تری منتهی شده است. تانک‌های صدام از خیابان‌ها رخت بر بسته‌اند، اما جای آن‌ها را تانک‌های

طی روزهای اخیر، دیکتاتوری صدام حسین بعد از ربع قرن در عرض چند هفته از هم پاشید و سربازان ارتش آمریکا بدون مقاومت چشمگیری در بغداد و دیگر شهرهای مهم عراق مستقر شدند. مجسمه‌ها و تصاویر بزرگ صدام به زیر کشیده شدند. نیروهای نظامی و انتظامی تسلیم شده و یا به خانه خود رفتند. در زندان‌ها گشوده شده‌اند. و از آن مشت آهنین در عرض مدت کوتاهی دیگر اثری برجای نمانده است. سرنوشت رژیم صدام حسین، سرنوشت همه دیکتاتوری‌ها و از جمله استبداد مذهبی در میهن ماست. رژیم‌هایی این چنین که با سرنیزه بر سر مردم ایستاده‌اند و نه از حمایت که از نفرت مردم برخوردارند، در مقابل زور آزمائی‌شان با یک دشمن خارجی، هم چون بیر کاغذی فرو می‌ریزند. چنانکه طالبان افغانستان نیز چنین بودند. مردم اگر هم علیه اشغال خارجی باشند، موافق ماندن این خون‌اشامان نیستند و در نتیجه از خود مقاومتی هم نشان نمی‌دهند.

صدام رفت اما از خود برای مردم عراق ویرانه‌ای برجای گذاشت. در طول بیست و پنج سال حکومت صدام، عراق به یک کشور ورشکسته و ویران تبدیل گشت. مردم عراق

در تعیین سرنوشت خویش و احترام به استقلال



## روشنفکری دینی ابداع پس از انقلاب است

گفتگوی زیر که به نقد روشنفکری عرفی در ایران می‌پردازد، توسط محمد قوجانی با مراد ثقفی انجام گرفته و در نشریه همشهری به چاپ رسیده است.

این گفتگو را از نظر نوع نگاه و زاویه برخورد یک روشنفکر دینی، محمد قوجانی و پاسخ‌های مراد ثقفی را حاوی نکات قابل توجه و لازم به بحث یافتیم

که در زیر به چاپ آن می‌پردازیم:

○ یک دهه از سلطه همزومیک روشنفکری دینی بر جنبش‌های اجتماعی ایران می‌گذرد در ده سال گذشته کلیه جوانان، زنان و نیز روشنفکران ایرانی تنها زمانی توانسته‌اند به فعالیت اجتماعی بپردازند که یا به حوزه حاکمیت تعلق داشتند یا تحت نفوذ روشنفکری دینی بوده‌اند. از سال ۷۶ تاکنون نیز قدرت نفوذ سیاسی این جنبش در دولت به قدرتی نفوذ اجتماعی آن افزوده شده است اما چرا نیروهای سیاسی و اجتماعی دیگر تاکنون از دستیابی به این اقتدار باز مانده‌اند، چرا روشنفکران دیگر نتوانسته‌اند در این موقعیت قرار گیرند؟

● مسلماً می‌شود این گونه هم تحلیل کرد. اما اگر جوانب دیگر مطلب را بازن نگینیم شاید نتوانیم بیش از این چیزی بگویم و فقط همین را به عنوان یک امر واقع خواهیم گفت. وقتی به نقطه نظرانی که از طریق دولت بازگو و تلاش می‌شود که تفهیم شود توجه می‌کنیم، وقتی به میزان تاثیر مطبوعات بر تبیین فضای سیاسی می‌نگریم و در تمام این‌ها نقش روشنفکرانی را که شما دینی می‌نامید، مشاهده می‌کنیم بالطبع می‌شود این را به عنوان یک امر واقع پذیرفت. منتی اگر بخواهیم به همین وجه از ماجرا اکتفا کنیم، دیگر خیلی فراتر از بازگرداندن واقعیت - ایمن طور که جلوی چشمانمان است - نمی‌رویم. به نظر دست کم دو نکته به این مسئله باید اضافه شود: یکی برمی‌گردد به خود انقلاب و جریان‌های موجود در آن. امروز برای اکثر محققان و جامعه‌شناسان این امر روشن شده که انقلاب ایران نتیجه همسویی چندگرایشی بوده که در اولین تقسیم‌بندی می‌توان آن را به گرایش‌های بسیار خواست‌های مدنی و گرایش‌هایی با خواست‌های بازگشت به سنت تقسیم کنیم. حالا خود این گرایش‌های بازگشت به سنت تا چه حد در این بازگشت، بازیابی حقوق مدنی و بازیابی یک نوع جامعه پیشرفته‌تر یا عمومی‌تر و دموکراتیک‌تر از آن چیزی که وجود داشت را می‌دیدند و به واسطه این سنت می‌خواستند آن تجدید را بازسازی کنند، خود جای بحث دارد. دست‌کم ما این دو تا گرایش را می‌بینیم. من فکر می‌کنم آن چیزی که ما به عنوان حضور روشنفکران دینی بعد از سال ۷۶ در فضای سیاسی کشور می‌نامیم، یک مقدار زیادی از آن بر این زمینه و بر تداوم این زمینه شکل گرفته است. به همین جهت هم در درون این جریانی که شما از آن به عنوان روشنفکری دینی یاد می‌کنید، شما دانشا کلمات، مفاهیم، نوعی استدلال را پیدا می‌کنید که متعلق به روشنفکری دینی نیست. نمونه بارز، خود مفهوم جامعه مدنی است. مفهوم جامعه مدنی مفهومی نیست که در منظومه روشنفکری دینی تبیین شده باشد.

○ چرا این مفهوم متعلق به روشنفکری دینی نیست؟ آیا روشنفکری دینی فقط باید مفاهیم درون دینی را مطرح کند؟  
تعریف شما از روشنفکری دینی و کارکرد آن چیست؟  
● به آن هم می‌رسیم، اجازه بدهید عجلاننا به نکته دوم اشاره کنم. نکته دوم، این است که جریانی بعد از پایان جنگ شروع به فعالیت و حضور می‌کند. شما در همان دوره، به مطبوعات یا ماهنامه یا فصل‌نامه‌هایی که جایگاه بازتاب اندیشه‌های روشنفکرانه جامعه است، رجوع می‌کنید، تفکرات دیگری را در کنار روشنفکری دینی می‌بینید. یعنی روشنفکری دینی یکسری مفاهیم را از زوایای دیگر مطرح می‌کند، ولی مفاهیم دیگر و یا همان مفاهیم و از زوایای دیگر از طرف گروه‌های روشنفکری دیگر هم مطرح می‌شود. آن چیزی که کمتر به آن توجه و اشاره شده است و شاید هم به دلیل عدم وضوح آن، تعامل بین این جریانات است. یعنی ما باید دست کم دو کار انجام دهیم، یکی آن جریان تاریخی است، که باید از انقلاب پی بگیریم که یک جریانی مدنی است. و دومی جریان بازسازی کل جریان فکری جامعه بعد از جنگ است، که البته زمینه‌های حضورش را در دوران جنگ هم پیدا می‌کنیم، اما بعد از جنگ است که اجازه ظهور پیدا می‌کند: خود را بروز دهد، یا دیگران این اجازه را به آن می‌دهند و البته موفقیت آقای خاتمی در انتخابات سال ۷۶ که به نظر من این تلاش از یک طرف بیست ساله و از طرف دیگر ده ساله راه‌های می‌کند. اگر این گونه ببینیم آن وقت می‌توانیم هم راحت‌تر در مورد آینده صحبت کنیم. هم خود این فضای را بیش از آن چیزی که جلوی چشمان است تبیین کنیم. یعنی من فکر می‌کنم اگر این کار را بکنیم، حداقل به خودمان این اجازه را داده‌ایم که مقداری هم بحث‌های آینده را بتوانیم بازتر کنیم و از خود بیرسیم که حالا چگونه می‌شود؟ اقت داشته یا به سمت فعالیت یا پویایی بیشتری

خواهد رفت و به ثمر خواهد رسید!

○ شما قنبد جامعه مدنی جزو مفاهیمی نیست که از بطن روشنفکری دینی بیرون آمده باشد. یعنی این مفهوم از آن روشنفکری دینی نیست. استنباط من این است که شما فکر می‌کنید جریان روشنفکری دینی فقط باید مسائل معطوف به خرد دینی را مطرح کند و توضیح‌دهنده مفاهیمی باشد که از دل دین بر می‌آید. من روشنفکر دینی را حداقل به عنوان یک جریان اجتماعی در نظر می‌گیرم، چون می‌بینم که این جریان اگر چه واقعاً سکولار نشده است اما نزدیک به مفاهیم سکولار حرکت می‌کند، بنابراین چرا فکر می‌کنید که جامعه مدنی جزو مفاهیمی نیست که از بطن این جریان در بیاید؟  
● واقعیت‌اش این است. یعنی در واقع این طور بوده است که این مفهومی از درون روشنفکری دینی درنیامد. من به یک حقیقت تاریخی اشاره کرده‌ام. این که روشنفکری دینی می‌توانست یا نمی‌توانست بحث من نیست و گرنه بنده هم با شما کاملاً موافقم. ببینید دو تا بحث را می‌توانیم همزمان ادامه بدهیم. یکی بحث روشنفکری دینی یا گفتار روشنفکری دینی یا گفتار روشنفکری دینی که با لفظه است. یکی هم بالفعل است. چیزی که اتفاق افتاده است. روشنفکران دینی ما، مسائلی را پیش کشیدند که جامعه مدنی از جمله آنها نبود. منظورم این نیست که اصلاً نمی‌توانستند پیش بکشند یا نهایتاً یک نوع مسئوعیت ذهنی برایشان وجود داشت. اصلاً هیچ وقت به این مسئله اعتقاد نداشتیم و هنوز هم ندارم. من اولین مقاله‌ای که در ایران نوشتم اتفاقاً در مورد روشنفکری دینی بود، دقیقاً انتقاد در مورد تقسیم‌بندی روشنفکران به دینی و غیردینی و چپ و راست و... بود نظرم هم این بود که این‌ها را نه می‌توانیم بر اساس انتخاب موضوعات جدا کنیم و نه بر اساس روش بررسی.  
○ بر اساس سابقه تاریخی چگونه؟  
● بر اساس سابقه تاریخی هم نمی‌توانیم. اگر بخواهیم وارد بحث سابقه تاریخی شویم بچشان خیلی طولانی می‌شود. اجازه بدهید برای فرصت دیگری و برگردیم به حیطة موضوع‌ها. روشنفکران دینی ما به هر دلیل وقتی راجع به جامعه به عنوان کلیت صحبت کردند، هواره در باره جامعه دینی صحبت کردند و نه جامعه مدنی. یعنی مهم‌ترین مفاهیم و مقولات فلسفه سیاسی که توسط روشنفکران دینی ما بحث شده است و عبارت باشند از آزادی یا کلمه حریت، حق و تکلیف، نظم، مدارا، دموکراسی یعنی همه مفاهیمی که فلسفه سیاسی جدید حول و حوش آن می‌چرخد. از ما کجا اول ما این بحث‌ها را می‌کنیم تا به امروز. روشنفکران دینی همه این مسائیل را در ارتباط با یک جامعه دینی بررسی کردند و نه جامعه مدنی. البته به نتایج خوبی رسیدند و خیلی هم خودشان از خود هم انتقاد کردند. و در مجموع پیشرفت چشمگیری داشته‌اند منتی بحث، بحث جامعه دینی بوده است.

○ در حقیقت فرضیه‌شان این بوده چون اکثریت جامعه دیندارند راجع به آن اکثریت صحبت می‌کنند، یعنی جامعه دینی و کلیت جامعه را یکی می‌دانستند.  
● بله، در واقع توصیفی که از جامعه دادند توصیف جامعه دینی بود. شما این وضعیت را در دوره‌های دیگر هم دارید. مثلاً روشنفکری ما در پیش از انقلاب، روشنفکری چپ است. شما می‌بینید مسائل نسویی برای روشنفکری مطرح است که در مجموع به چپ مربوط است، به همین جهت شما مثلاً دنبال مفهوم آزادی بگردید؛ خیلی کم اثری از آن پیدا می‌کنید. اگر هم در جاهایی بحث است بیشتر بازیچه است. برای این که طرف مقابل را منکوب کند که مثلاً تو داری می‌سازی چون خیلی طرفدار آزادی نیستی. ولی به محض این‌که این شبهه رد می‌شود، آزادی اهمیت خودش را از دست می‌دهد. حالا همه این‌ها جای بازکردن دارد. می‌خواهم بگویم اگر این گرایش‌های متفاوتی را که خدمستان عرض کردم و زمینه‌ساز یا همراه این جریان بوده بررسی کنیم این است که می‌توانیم به درستی معنی آن حرفی را که شما

زدید درک کنیم یعنی اینکه چرا و چگونه است که بعد از سال ۷۶ روشنفکری دینی در جامعه دست بالا را دارد یا حضور فعال دارد. این روشنفکری دینی اگر هم حضور فعالی دارد، که در واقع براساس دو تاریخ و یک تاریخچه است، این تاریخ و تاریخچه‌ای که یکی جنبش مدنی است که از آغاز انقلاب وجود داشت و در مقابل جنبش سنت‌گرا در وضعیت فرودست قرار داشت و می‌شود کاملاً آن را دنبال کرد و دوم جریان تعاملی است که بین روشنفکران مختلف از سال ۷۶ به بعد شروع می‌شود و هر یک تلاش می‌کنند به یک معنایی گفتگویی برقرار کنند و با مفاهیم هدیکر کار کنند. درست است که این گفتگو کمتر از جانب روشنفکران سکولار انجام شد. اما ما در فصل‌نامه گفتگو خیلی تلاش کردیم که این کار را بکنیم. زیرا معتقد بودیم این تعامل است که پویایی می‌آورد و از سوی دیگر، طرف دیگر بیشتر نگاه می‌کرد ببیند که روشنفکران سکولار با چه موضوعاتی داندند کار می‌کنند و تلاش کرد آنها را در حوزه خودش بیاورد و با آنها بحث کند.

○ اتفاقاً یکی از سوالات من همین است که روشنفکران غیر دینی در همه آن سال‌هایی که روشنفکری دینی به ارتباط بین دین و دموکراسی دین و جامعه، جامعه دینی و مدنی فکر می‌کرده و بحث‌های تئوریک می‌کرده، جریان روشنفکری عرفی ما نهایتاً سطح مباحثاتش از هنر و ادبیات و... فراتر نمی‌رفت، نظریات دهه شصت را می‌توانیم ببینیم که اگر روشنفکری دینی منظورش در دهه ۶۰ نظریه‌کیهان فرهنگی و ادامه منطقی‌اش را در مجلات دیگر ببینید، در جهت مخالفت چیزی مثل آدینه وجود دارد، بحث‌هایی که در آدینه می‌شود به همان حوزه محدود روشنفکری محدود می‌شود. فراتر از آن نمی‌رود، یک بخش از این وضعیت البته ناشی از فضای بسته سیاسی است که نمی‌گذارد روشنفکران غیر مذهبی ما وارد بحث‌های سیاسی و اجتماعی شوند، ولی نثرهای ماندگار ما که در سال ۷۰ منتشر شده، نشان داد که می‌شود با یک نگاه جامعه‌شناختی به موضوعاتی پرداخت که خیلی هم به خصم فرم‌های حاکمیت آسیب نرساند ولی بر کشتن فکری جامعه تاثیر بگذارد و آن را عوض کند، به نظر می‌رسد قبل از انتشار نثریاتی مانند گفتگو، جامعه سالم و نگاه نو حوزه روشنفکری ما محدود به همان گفاه‌های قبل از انقلاب بوده و وارد حوزه عمومی جامعه نشده این درست است که روشنفکری دینی فقط محدود خود را در برگیرنده انسان دینی و جامعه دینی می‌داند ولی روشنفکران عرفی هم فقط محدود خودشان را اقلیتی دیگر در نظر می‌گیرند. یعنی سوز و موضو‌شان همان گفاه‌ها است هیچ کدام کمتر عمومی جامعه را در نظر نمی‌گیرند نه روشنفکری دینی که اکثریت توجه می‌کنند و نه روشنفکری عرفی که به اقلیت نگاه می‌کنند هر کدام یک جامعه مصنوعی برای خودشان درست کرده‌اند و به دغدغه‌های آن جامعه مصنوعی می‌پردازند و البته روشنفکری دینی اتفاقاً چون به اکثریت توجه داشت به جامعه واقعی نزدیک‌تر بود. به دلیل اینکه این جامعه آتماری یا جامعه مصنوعی چون اکثریت جامعه را تشکیل می‌داد به روشنفکری دینی دامن نفوذ بیشتری می‌داد. سؤال من این است چرا روشنفکری عرفی ما در تمام سال‌های دهه ۶۰، به این فکر نینتاد که می‌تواند وارد بحث‌های تئوریک و نظری شود که خیلی هم با فضای سیاسی اختلاف پیدا نکند ولی بتواند بر جامعه تاثیر بگذارد. چطور است که روشنفکری دینی بحث‌های نوآندیشی دینی را مطرح می‌کند و ارتباط دین و دموکراسی را به پیش می‌کشد، ولی کمتر متنی در جهت تبیین مفاهیم دموکراتیک از طرف جریان روشنفکری عرفی در دهه ۶۰ می‌بینیم. کویی اصولاً دموکراسی دغدغه آنها نیست.

● من با داوری شما مخالفم. یک اتفاق عمده در دهه ۶۰ برای ایران می‌افتد و آن اینست که عده‌ای می‌آیند و خودشان را با پسوند خاصی بازگو می‌کنند، یعنی مدعی روشنفکری دینی می‌شوند یعنی کلمه روشنفکری دینی یک ابداع پس از انقلاب است. ما قبل از انقلاب این واژه را نداریم. یعنی مثلاً فرضاً شما شریعتی را بگویید...  
○ منظورم در مورد جریان روشنفکری دینی، بعضی از روشنفکران جوان پس از انقلاب است.  
● بعد از انقلاب سه اتفاق مهم می‌افتد، اولاً

چپ داشتیم ولی لایک لیبرال کم داشتیم؟  
● ببینید، این یک مقدار به جامعه‌شناسی سیاسی روشنفکری ما برمی‌گردد و کاملاً قابل پیگیری است. یعنی تقریباً زاویه چندین ناشناخته‌ای ندارد. دلیل عمده آن سیاسی بودن روشنفکری ما است. یعنی شما از سال‌های ۳۲ به بعد می‌روید به طرف سیاسی شدن فضای روشنفکری. به حدی این فضا در سال‌های ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ سیاسی است که اصلاً امکان اینکه شما حرف‌ها را غیرسیاسی بفهمید وجود ندارد.  
○ روشنفکری که اصلاً کار سیاسی نکند مد نظرم نیست.  
● نه مسئله فضاست. ببینید یلفانی یک نقطه دارد که فکر کنم سه یا چهار ماه بعد از انقلاب بود، نطق خیلی جالبی است که اتفاقاً به کانون نویسندگان گزارش می‌دهد. بحث کانون نویسندگان هم اتفاقاً در آن روزها این است که تعدادی از روشنفکرانی که وابسته به حزب توده هستند بیرون بکنند یا نکنند. عاقبت هم با یک رای بسیار بلایی آنها را بیرون می‌کنند. یلفانی یک نطق بسیار جالب می‌کند. یلفانی می‌گوید کار ما الان خیلی مشکل‌تر از قبل است. در دوره‌های قبل کار ما راحت‌تر بود. سیاه و سفید روشن بود. خوب و بد روشن بود. خوب آن چیزی بود که دشمن ما - شاه - بد می‌دانست و بد آن چیزی بود که دشمن ما خوب می‌دانست. ما خیلی راحت در این فضا زندگی می‌کردیم. امروز فرق کرده. امروز طیف‌های متعددی وجود دارد و ما آمادگی ارزیابی وضعیت موجود را نداریم. من حالا به این قسمت دوش کاری ندارم ولی قسمت اولش حقیقت است. یعنی روشنفکری قبل از انقلاب ما به دلایل شرایط جهانی، به دلیل شرایط خود ایران، به دلایل فرادستی اندیشه‌های انقلابی و مبارزات مسلحانه، کاملاً زندگی و فکرش با سیاست حرکت می‌کند و سیاستی که خودش سیاست سیاه و سفیدی است. شما کافی است به تلاش آل احمد برای تأسیس کانون نویسندگان در سال‌های ۴۳ و ۴۴ رجوع کنید و مقابله‌ای که توده‌ای‌ها با آن می‌کنند و مقابله‌ای که به‌آذین با آن می‌کند. به‌آذینی که بعد از انقلاب به هیچ وجه حاضر نیست آزادی را به عنوان یک ارزش تلقی کند و می‌گوید ارزش‌های مهم‌تری داریم. مسئله دفع‌اف از انقلاب، مقابله با امپریالیسم، مقابله با آمریکا و باید بدانیم آزادی در این مرحله می‌تواند به ما لطمه براند. هم او در سال‌های ۴۳ و ۴۴ ایستاده و می‌گوید آزادی بدون قید و شرط. این جمله معروف کانون نویسندگان داستانش از آنجا شروع می‌شود. چرا؟ فقط برای اینکه فکر می‌کند و احساس می‌کند که نیروی سوم که جلال آل احدها هستند، طرفدار گفتگو هستند که مسائل همه سیاسی نیست و اگر هم سیاسی است باید برای آن فضایی را به وجود آورد. گروه به‌آذین تصور می‌کنند یک ساخت و پاختی بین آل احمد و نیرو سوم‌های دور و برش برای تأسیس کانون نویسندگان بدون توده‌ای‌ها وجود دارد. یعنی حتی آزادی ایزاری است برای پیشبرد یک سیاست. خوب ما می‌توانیم بگوییم این دیگر روشنفکر نیست. روشنفکری که برای آزادی ارزش قائل نباشد و از آن استفاده ایزاری کند برای اینکه خودش کنار گذاشته نشود یا وارد بازی شود این دیگر اصلاً روشنفکر نیست. اما به این سادگی‌ها، نمی‌شود برید و دوخت. تاریخ روشنفکری دنیا از این دوره‌ها زیاد داشته است.

○ هم این افراد حواشی جریان روشنفکری عرفی را تشکیل می‌دادند. اگر هسته را کانون نویسندگان بدانیم...  
● آل احمد هم حاشیه است. آل احمد در بین سال‌های ۳۲ تا ۵۷، تا سالی که می‌میرد، در حاشیه است. آل احمد از نظر فردی در حاشیه است اما از نظر اندیشه، همه را دنبال خود می‌کشد.  
○ فکر می‌کنم به آن سوال‌هایی که می‌خواستم در آخر از شما بپرسم، رسیدم. اتفاقاً می‌خواهم همین سوال را بکنم. چرا تیب آدم‌هایی که به آموزه‌های دموکراتیک فکر می‌کنند، (مثل پرهام، شایگان، منطقی رحیمی)، استاد و روشنفکر کسانی که بین دانشگاه و کافه، استاد و روشنفکر حرکت می‌کنند، نسبت به کسانی که شاعر و ادیب و داستان‌نویس هستند، در جریان غیرمذهبی در حاشیه قرار داشتند؟ همین تعبیر در حاشیه که شما به کار می‌برید.  
شما از اختلاف بین باقر پرهام و مرحوم مختاری اطلاع دارید که در دهه اول انقلاب به سددت یکدیگر را نقد می‌کردند. حتی وقتی کانون نویسندگان می‌خواهد احیا شود، جریان مختاری طرف مقابل را محکوم به این می‌کند که با قدرت ارتباط دارد. این مجادلات به نظر می‌رسد که از خود جریان روشنفکری بیرون می‌آید نه از حکومت. من انکار نمی‌کنم که روشنفکران عرفی هم مبانی دموکراتیک داشتند، هم در راه کسترش مبانی دموکراتیک بین مردم تلاش کرده‌اند. حتی روشنفکری دینی خیلی مفاهیمش را وام گرفته است، یعنی هنوز هم ما متن‌هایی را که در دفاع از جمهوریت می‌نویسیم از سلسله رساله مرحوم دکتر منطقی رحیمی در اول انقلاب، فراتر نمی‌رود. یا خیلی از مفاهیم دموکراتیک که روشنفکری دینی ما الان دارد مطرح می‌کند، هم در روشنفکران غیردینی امروز ما (مثل دکتر حسین بنبریه) و هم روشنفکری عرفی دهه اول انقلاب رواج دارد. اما مسئله این است که چرا این جریان، نسبت به هسته روشنفکری عرفی در حاشیه بوده است؟ چرا ما همیشه لایک

**ارکان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**  
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

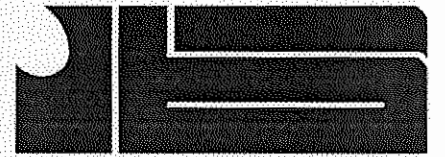
سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی



چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۲ - ۱۶ آوریل ۲۰۰۳ دوره سوم - شماره ۳۰۱  
KAR - No. 301 Wednesday 26. Avr. 2003  
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: <http://www.fadai.org>  
آدرس پست الکترونیکی: [kar-aksaryat@gmx.de](mailto:kar-aksaryat@gmx.de)

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام‌گیر: 0049 - 221 - 9322136

تک فردوسی: شش ماهه - ۳ یورو  
بهای اشتراک: یک ساله - ۶ یورو

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس: Postfach 260268  
50515 Köln  
Germany

I.G.e.v دارنده حساب: 22 44 20 32  
شماره حساب: 37 05 01 98  
کد بانک: نام بانک: Stadtparkasse Köln

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:  
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name: .....

نشانی: Address: .....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا نمبر) به آدرس بستم کنید!

## پس از سه هفته جنگ، رژیم صدام حسین فروپاشید

### از «برنامه» تا واقعیت

محمود صالحی



## اعلامیه هیات سیاسی - اجرایی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### در باره فروپاشی رژیم عراق

رژیم دیکتاتور حاکم بر عراق، پس از تحمیل دهها سال سرکوب و اختناق بر مردم این کشور و کشاندن آن به سه جنگ ویرانگر، سرانجام فرو پاشید. انتظار مقاومت مردمی در برابر نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس، که در روزهای نخست حمله این نیروها به عراق بروز کرده بود به تحقق نپیوست، ادعاهای مقامات عراق دایر بر تنبیه متجاوزان همه پوچ از کار درآمد و پیروزی نسبتاً سریعی نصیب آمریکا شد. این‌ها همه در حالی بود که تقریباً تمام جامعه بین‌الملل علیه این حمله به مخالفت برخاسته و کمتر کشوری آن را واجد مشروعیت بین‌المللی اعلام کرده بوده است. برای مردم عراق مقاومت در برابر تجاوز به کشور و حق حاکمیت ملی‌شان می‌توانست مقاومتی کامل به حق و برخوردار از حمایت وسیع جهانی شمرده شود. اما مقاومتی مردمی بروز نکرد. این واقعیت را، که بزرگترین درس تحولات سه هفته اخیر خاصه برای رژیمهای سرکوبگر از جمله جمهوری اسلامی ایران باید باشد، تنها می‌توان با فاصله عمیقی که رژیم حاکم بر عراق بین خود و مردم ایجاد کرده بود، توضیح داد. مردمی که رای و اراده‌شان توسط رژیم به هیچ‌گرفته می‌شود و آن رژیم را تجلی خواسته‌های خود نمی‌بینند، کمتر دلیلی برای مقاومت در برابر دخالت بیگانگان، مقاومتی که می‌تواند موجبی برای ادامه حیات آن رژیم باشد، خواهند یافت.

جشن سرنگونی رژیم صدام حسین بر مردم عراق مبارک باد، اما دشواریهای عراق تا حصول به نظامی یا ثبات و دموکراتیک هنوز بسیارند. حیات رژیم عراق به بهای سنگینی برای این کشور پایان گرفته است. بسیار جانهای از دست رفته و نابودی سرمایه‌های چندین نسل تنها قیمت همین جنگ بیست روزه برای مردم عراق است. بعلاوه مردمی که بخاطر بی‌حقوقی‌شان تحت حاکمیت رژیم صدام به او «نه» گفتند، تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس را تداوم بی‌حقوقی خواهند دید. این در حالی است که پاره‌ای از مقامات آمریکا از قصد این کشور برای حضور میان‌مدت در عراق می‌گویند و از هم اکنون و حتی مدت‌ها پیش سفارشی‌های مربوط به بازسازی این کشور از محل حراج منابع نفتی آن و قراردادهای نفتی را میان خود تقسیم کرده‌اند. ثبات عراق نه با توسل مقامات آمریکا به مبانی و متدهای مناسبات بین‌کشوری قوی و ضعیف در دوران استعمار، بلکه با سپردن کار دوران انتقالی و تجدید حاکمیت ملی عراق به سازمان ملل متحد میسر است.

هیات سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۰ آوریل ۲۰۰۳ - ۳۰ فروردین ۱۳۸۲

«بدوی» صورت می‌گرفت و رمز موفقیت آنان نیز در همین بود. امروز تقریباً همه آرشی‌ها «مدرن» هستند و دقیقاً همین امر امکان مقابله موثر در برابر توان نظامی آمریکا را کاهش می‌دهد. بنابراین پیروزی نظامی ارتش آمریکا ساده‌ترین بخش تحقق برنامه‌های محافل محافظه‌کار افراطی آمریکاست. اکنون سکان اداره این کشور را بر عهده دارند می‌باشد. افرادی مثل پل ولفوویتز، دیک چینی، رامسفلد و خانم رایس که به عقاب‌ها معروف هستند شاید برنامه‌های بسیاری برای منطقه خاورمیانه دارند اما:

ماشین‌های لوکس خارجی بود. پس از شکست عراق در جنگ دوم خلیج و در طی مدت ده‌ساله برنامه «نفت در مقابل غذا» کنترل «زندگی کوپنی» مردم نیز در دست باندهای قدرت افتاد. در طی این سال‌ها صدها هزار کودک عراقی براه سوء‌تغذیه و عدم دسترسی به دارو جان سپردند. - جامعه‌شناسی جوامع دیکتاتورزده نشان می‌دهد از آنجایی که تامین‌کننده هزینه‌های دولت نه مردم و منابع مالیاتی، بلکه از طریق منابع طبیعی (نفت) تامین می‌شود (استقلال اقتصادی دولت از جامعه)، روحیه

#### روانشناسی سقوط

بمباران یوگسلاوی ۱۱ هفته بطول انجامید و سرانجام میلسویچ سقوط کرد. بمباران افغانستان ۹ هفته طول کشید و بالاخره حکومت ضد بشری ملا عمر در افغانستان ساقط شد، اما سرعت فروپاشی نظام صدام حسین طی سه هفته هنوز موضوع بحث است. نتیجه این بحث هرچه باشد یک واقعیت این است که هیچ‌کس حاضر نشد از این رژیم دفاع کند.

مردم عراق چگونه از رژیمی که صدام حسین بعنوان ارشیتکت آن ۳۰ سال آنان را از استبدادی‌ترین حقوق‌شان محروم ساخت و دستگاه جهنمی حکومت‌اش بر سرکوب، ترس، شکنجه و کشتار استوار بود، می‌توانستند دفاع کنند.

رژیمی که عراق را درگیر ۲ جنگ خانمانسوز با ایران و کویت کرد، رژیمی که اقلیت‌های قومی و مذهبی در آن سرکوب می‌شدند، رژیمی که بر سر کردها بمبهای شیمیایی ریخت، در روانشناسی توده مردم سرکوب شده قابل دفاع نیست.

مردم عراق ساکت ماندند تا رژیم صدام برود اما معلوم نیست با ماندن ارتش آمریکا ساکت بمانند.

#### روانشناسی غارت

پس از سقوط رژیم صدام و در مقابل چشمان و بی‌تفاوتی نیروهای اشغالگر آمریکایی و انگلیسی موج وسیع غارت اموال عمومی تمامی شهرهای عراق را فرا گرفت. وزارتخانه‌های دولتی، بیمارستانها، دانشگاهها، مدارس، ادارات، بازار، بانکها، موزه‌ها و مراکز فرهنگی و خانه دولتمردان پیشین عراق به غارت رفتند. در این غارت‌های وسیع آن بخش از زیربنای اقتصادی عراق که در

#### بغداد سقوط کرد

پس از یک وقفه چندروزه در پیش‌روی نیروهای مهاجم آمریکایی و انگلیسی که با بمباران سنگین و شبانه‌روزی بغداد همراه بود، مهاجمین پیش‌روی بسوی بغداد را از دو سواز سرگرفتند و با تصرف فرودگاه بین‌المللی صدام بغداد به محاصره درآمد.

پس از چند درگیری پراکنده در بغداد بالاخره یک واحد زرهی ارتش آمریکا ساعت ۱۶/۴۰ دقیقه روز چهارشنبه به مرکز این شهر راه یافت و با سرنگون کردن مجسمه صدام (حداقل بصورت سمبلیک) پایان یافته محسوب شد.

رسانه‌های غربی در گزارشات جنگی خود دانسا صحبت از «حلقه‌های دفاعی» دور بغداد که شامل واحدهای ارتش، گارد ریاست جمهوری و فدائیان صدام که تا آخرین قطره خون از او و بغداد دفاع خواهند کرد داشتند.

در لحظه ورود نیروهای اشغالگر نه تنها از صدام، فامیل و وزرا و کادراهای اصلی رژیم خبری نبود، بلکه نیروهای آمریکایی حتی اثری هم از گارد ریاست جمهوری و فدائیان صدام نیافتند.

گفته می‌شود صدام با نیروهای وفادار به منطقه تکریت که محل تولدش است گریخته و در آنجا «نبرد آخر» را تدارک می‌بیند.

اما شنبه شب گذشته جرج بوش به دولت سوریه هشدار داد تا از پناهدادن به صدام حسین و رهبران ارشد عراقی خودداری نماید و در صورت حضور آنان این افراد را تحویل نیروهای آمریکایی دهد. از رهبران ارشد عراقی تاکنون فقط سپید «عامر السعدی» مشاور صدام در زمینه تسلیحاتی خود را در حضور نمایندگان تلویزیون «ZDF» آلمان تسلیم نیروهای آمریکایی کرده است.



سیاست در آمریکا انتخابی و زمان آن محدود است. شاید گفته شود هر دو جناح جمهوری خواه و دمکرات در سیاست آمریکا اهداف مشترک دارند، اما باید گفت استفاده از ابزار نظامی برای پیشبرد مقاصد سیاسی در نزد جناحهای سیاسی آمریکا دارای درجات متفاوت است.

فراموش نکنیم که جرج بوش پدر و قهرمان جنگ دوم خلیج یک سال و نیم پس از جنگ، انتخابات را به بیل کلینتون باخت. جرج بوش به مردم عراق قول زندگی «آزادانه» داد، اما مردم عراق با دسته گل و جعبه شیرینی به استقبال نیروهای مهاجم نرفتند. چرا؟ از ناپلئون که در سال

بیگانگی با «اموال عمومی» در میان مردم تقویت می‌شود. در لحظه «خلا قدرت» این عوامل به روحیه غارت اموال عمومی دامن می‌زند زیرا مردم نه رژیم را از آن خود می‌دانستند و نه اموال عمومی را.

از «برنامه» تا واقعیت شکست نظامی ایالات متحده در جنگ ویتنام تاثیرات روانی سنگینی بر جامعه این کشور بجا گذاشت. ارتش آمریکا از تجارب ویتنام که در کتاب «جنگ ویت کنگ» منتشر و در دانشکده‌های افسری تدریس می‌شود، درس گرفت. تله‌گذاری ویت‌کنگ بر علیه نیروهای آمریکا با ابزار

بمباران‌ها ناپدید نشده بود نیز از بین رفت. ابعاد این غارت‌ها به حدی بود که بالاخره آمریکا در برابر اعتراض افکار عمومی جهانی و تظاهرات مردم بغداد عقب نشست و با اعلام اینکه ۱۲۰۰ مامور امنیتی و پلیس جهت برقراری نظم عمومی به عراق اعزام می‌شوند به بی‌تفاوتی خود در قبال این غارت‌ها پایان داد.

اما چرا ابعاد غارت‌ها اینگونه وسیع بود؟ - دیکتاتورها مملکت را ملک طلق خود می‌پندارند. صدام و باند حکومتی او ۳۰ سال سرمایه‌های عراق را به غارت بردند. سرگرمی و تفریح «اقصاده‌هایشان» جمع‌آوری و کلکسیون

## برگزاری سی و دومین کنگره حزب کمونیست فرانسه

جنگ آمریکا و بریتانیا علیه عراق مورد بحث و بررسی قرار گرفت و کمیسیونی تشکیل و قطعنامه‌ای صادر شد. کنگره خواستار تشکیل کنفرانسی بین‌المللی تحت نظر سازمان ملل متحد برای پایان جنگ شد. کنگره در پایان کار خود رهبری جدید خود را انتخاب کرد. کنگره خانم ماری ژوز بوفه را بعنوان دبیرکل جدید برگزید.

مسئول روابط بین‌المللی تشکیلات سازمان در فرانسه از جانب گروه کار روابط بین‌المللی سازمان پیامی به کنگره ارسال داشت که در شماره آتی نشریه درج خواهد شد.

سی و دومین کنگره حزب کمونیست فرانسه از ۳ تا ۶ آوریل ۲۰۰۳ در شهر سن‌دون برقرار شد. این کنگره در حالی برگزار شد که حزب کمونیست فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان فرانسه در سال ۲۰۰۲ متحمل شکست بی‌سابقه‌ای شد. رهبری حزب بر آن گشت که با جمع‌بندی دقیق پاسخی برای آینده و موجودیت حزب بیاید. بر این پایه سه موضوع اصلی در دستور کار کنگره قرار گرفت: ۱- بررسی نتایج انتخابات ۲۰۰۲ و دوران پس از آن - چشم‌انداز و دگرگونی‌های جامعه فرانسه و جهان - ۳- موجودیت حزب علاوه بر این در کنگره موضوع

۱۷۸۹ به مصر حمله کرد تا استعمارگران انگلیسی و اینک دولت جرج بوش، همه این‌ها برخلاف جوامع آلمان و یا ژاپن در حافظه تاریخی جوامع عرب جایگاه خاصی خود را دارند. این پارامترهای تاریخی حضور نیروهای خارجی را نه «آزادگر» بلکه «اشغالگر» می‌شناسد. این تنها یکی از مجهولات

معاذلات سیاسی در خاورمیانه بود. شاید عقاب‌ها در عرصه «پاین کشیدن» با ابزار نظامی موفق باشند، اما در عرصه «جایگزینی» مخصوصاً در منطقه خاورمیانه با مجهولات بسیاری روبرو خواهند شد که می‌تواند منطقه ما را به یک «ویتنام سیاسی» برایشان تبدیل کند.